

دودمان‌های پس از اسلام

ورود اسلام به ایران

خلفای راشدین (خلفاء اربعه)

خلفای اموی

خلفای عباسی

طاهریان (۸۲۰ - ۸۷۳ م. / ۲۰۵ - ۲۵۹ ه. ق. / ۱۹۹ - ۲۵۲ خ.) بنیان‌گذار طاهر ذوالیمینین

صفاریان (۸۷۵ - ۹۰۰ م. / ۲۶۱ - ۲۸۷ ه. ق. / ۲۵۴ - ۲۷۹ خ.) بنیان‌گذار یعقوب لیث

سامانیان (۸۷۵ - ۹۹۹ م. / ۲۶۱ - ۳۸۹ ه. ق. / ۲۵۴ - ۳۷۸ خ.) بنیان‌گذار نصر یکم

زباریان (۹۲۸ - ۱۰۷۰ م. / ۳۱۵ - ۴۶۲ ه. ق. / ۳۰۶ - ۴۴۹ خ.) بنیان‌گذار قابوس بن وشمگیر

بوییان (ال بویه ۹۳۲ - ۱۰۴۹ م. / ۳۲۰ - ۴۴۰ ه. ق. / ۳۱۱ - ۴۲۸ خ.) بنیان‌گذار شهریار عضدالدوله

غزنویان (۹۹۸ - ۱۱۶۰ م. / ۳۸۸ - ۵۵۵ ه. ق. / ۳۷۷ - ۵۳۹ خ.) بنیان‌گذار سلطان محمود غزنوی

سلجوقیان (۱۰۳۸ - ۱۱۹۴ م. / ۴۲۹ - ۵۹۰ ه. ق. / ۴۱۷ - ۵۷۳ خ.) بنیان‌گذار ملکشاه و سلطان سنجر

خوارزمشاهیان (۱۰۷۸ - ۱۲۲۰ م. / ۴۷۰ - ۶۱۷ ه. ق. / ۴۵۶ - ۵۹۹ خ.) بنیان‌گذار محمد خوارزمشاه

ایلخانیان (۱۲۵۶ - ۱۳۳۶ م. / ۶۵۴ - ۷۳۶ ه. ق. / ۶۳۵ - ۷۱۴ خ.) بنیان‌گذار هولاکوخان

تیموریان (۱۳۷۰ - ۱۴۹۸ م. / ۷۷۱ - ۹۰۳ ه. ق. / ۷۴۸ - ۸۷۷ خ.) بنیان‌گذار تیمور گورکانی

آق قویون و قره قویونلوها (۱۳۷۸ تا ۱۵۰۸ میلادی) بنیان‌گذار اوزون حسن

صفویان (۱۵۰۱ - ۱۷۲۳ م. / ۹۰۶ - ۱۱۳۵ ه. ق. / ۸۷۹ - ۱۱۰۲ خ.) بنیان‌گذار شاه اسماعیل یکم

افشاریان (۱۷۳۵ - ۱۷۴۸ م. / ۱۱۴۸ - ۱۱۶۱ ه. ق. / ۱۱۱۴ - ۱۱۲۷ خ.): بنیان‌گذار نادرشاه

زندیان (۱۷۵۰ - ۱۷۹۵ م. / ۱۱۶۳ - ۱۲۰۹ ه. ق. / ۱۱۲۹ - ۱۱۷۳ خ.) بنیان‌گذار کریم‌خان زند

قاجار و پهلوی و جمهوری اسلامی ایران

پس از استقرار دین اسلام در سرزمین ایران که در نتیجه پیروزی اعراب مسلمان بر ساسانیان و فتح ایران توسط آنها روی داد، تحولات بسیاری در عرصه‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی ایران به وجود آمد. ایرانیان که از تبعیض طبقاتی موجود در کشورشان ناراضی بودند اسلام را پذیرفتند و در اشاعه آن کوشیدند.

با این حال هرگز مخالفت خویش را با سلطه امویان و عباسیان بر خاک ایران پنهان نکردند و جنبش‌های استقلال‌طلبانه‌ای را به پا ساختند که تشکیل حکومت‌هایی چون طاهریان (۸۱۱-۸۲۶ م) و صفاریان (۹۰۳-۸۶۶ م) را میتوان از نتایج آنها برشمرد.

طاهریان برای اولین بار پس از ظهور اسلام نواحی شرقی ایران همچون خراسان را به استقلال رسانیدند و صفاریان نیز برای اولین بار از زبان خارجی به جای زبان عربی استفاده کردند. از دوره سامانیان (۹۹۹-۸۱۹ م) نیز خط فارسی نوین پدید آمد و الفبای عربی با زبان فارسی رواج یافت. حکام آل بویه (۱۰۵۵-۹۴۵ م) پس از فتح شیراز و تأسیس حکومت خویش راهی بغداد شده آن را تصرف نمودند و مقام خلافت را به آلت دست خویش تبدیل نمودند و قدرت واقعی را در دستان خویش گرفتند.

غزنویان (۱۱۸۶-۹۷۷ م) خود را به عنوان غازیان یا جنگجویان مسلمان مطرح ساختند و سرزمین‌هایی همچون هندوستان را مورد تهاجم خویش قرار دادند.

سلجوقیان (۱۱۹۴-۱۰۳۸ م) با پیروزی بر غزنویان حکومت خویش را تأسیس نمودند و سراسر ایران تحت سیطره خویش درآوردند و به یاری وزرای بزرگ و دانشمند ایرانی قدرت خود را تثبیت نمودند ولی در نهایت توسط خوارزمشاهیان از میان رفتند.

در دوره حکومت خوارزمشاهیان (۱۲۳۱-۱۰۷۷ م) تهاجم مغول‌ها به خاک ایران آغاز گردید.

نتیجه این تهاجم انقراض حکومت خوارزمشاهیان و غارت شهرها و قتل عام مردم ایران بود که با نابودی اقتصاد و کشاورزی ایران همراه گردید.

مغول‌ها بسرعت خاک ایران را تصرف نمودند و ضمن لشکرکشی به بغداد و به قتل رساندن خلیفه عباسی خلافت اسلامی را از میان بردند (۱۲۲۸ م)

پس از مغول‌ها، تیموریان (۱۵۰۶-۱۳۷۰ م) به خاک ایران هجوم آوردند و بار دیگر سرزمین ایران را عرصه تاخت و تاز و غارت قرار دادند.

از دوره صفوی (۱۷۳۲-۱۵۰۱ م) مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران معرفی گردید. مذهب تشیع با ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی خویش باعث اتحاد و استقلال ایران گردید و هویت ملی آن را در برابر تهاجمات و ضربات مهلک امپراتوری عثمانی حفظ نمود و ایران توانست بار دیگر به عنوان یک قدرت بزرگ سیاسی و مذهبی قد علم کند.

در دوره شاه عباس کبیر شهر اصفهان به عنوان پایتخت ایران انتخاب گردید و به اوج عظمت شکوه دست یافت به طوری که یادگارهای بسیاری از آن دوران تا عصر حاضر نیز بر جای مانده‌اند. صفویان در نتیجه تهاجم افغان‌ها و تصرف اصفهان توسط آنها از میان رفتند.

نادرشاه افشار افغان‌ها را شکست داد و ضمن تسلط بر تمامی خاک ایران، سلسله افشاریان را تأسیس نمود (۱۷۳۴ م). پس از افشاریان، زندیان (۱۷۹۶-۱۷۵۰ م) بر اریکه قدرت تکیه زدند در دوره حکومت آنها شهر شیراز به پایتختی انتخاب گردید و به شهری باشکوه و بزرگ تبدیل شد.

حکومت امویان در ایران:



خلافت اموی پس از شهادت حضرت علی (ع) چهارمین خلیفه مسلمانان توسط معاویه بن ابوسفیان تشکیل شد. نسبت خاندان بنی امیه به امیه بن عبد شمس می رسید و آنان از سال ۴۱ ه. ق تا ۱۳۲ ه. ق امپراطوری بزرگی را در سرتاسر متصرفات اسلامی از اندلس تا ماوراءالنهر تشکیل دادند که در نوع خود بی نظیر بود. ویژگی خاص خلافت امویان تشریفات و تجملات درباری خلفا بود، به گونه ای که آنها بر خلاف زندگی ساده و بی تکلف خلفای راشدین و بویژه امام علی (ع) دمشق را به شهری شاهانه تبدیل کردند و با موروثی کردن مقام خلیفه، خلافت اموی را به نوعی سلطنت و پادشاهی مبدل ساختند. خلفای اموی در طول ۹۰ سال حکومت خود به هیچ عنوان وقعی به تعالیم و دستورات اسلامی ننهادند و از هر گونه ظلم و ستمی به مردم کشورهای

تحت حاکمیت خود فروگذار نکردند. آنان از ابتدا رویه خصمانه‌ای را نسبت به ایرانیان نیز در پیش گرفتند و از آنجا که گروه زیادی از مردم ایران به تشیع گرویده بودند به آنان به چشم دشمنان جدی خود می‌نگریستند. یزید دومین خلیفه اموی با به شهادت رساندن امام حسین (ع) ننگ جاودانی برای خود و کارگزارانش بر جای نهاد و کینه و نفرت وصف ناپذیری بین او و مردم ایران که امام سوم شیعیان را سخت گرامی می‌داشتند بوجود آمد. این دشمنی و خصومت در دوره خلفای بعدی اموی ادامه پیدا کرد و آنان با موالی و بنده خواندن غیر اعراب و بویژه ایرانیان همواره مردم ایران را مورد اهانت و تحقیر خود قرار می‌دادند. اوج فشار و ظلم خلفای اموی بر مردم ایران در دوره حکومت عبدالملک بن مروان بود و با وجود تلاش فراوان وی برای بیرون راندن ایرانیان از امور دیوانی دستگاه خلافت، در این امر توفیقی نیافت. در دوره خلافت امویان بر ایران، مردم سختی‌های فراوانی را متحمل شدند و عمال بنی‌امیه علاوه بر اخذ مالیات‌های گوناگون به چپاول و غارت اموال و مردم نیز می‌پرداختند. آنان در دوره حاکمیت خود قبایلی از اعراب مناطق شمالی و جنوبی عربستان را به ایالات مختلف ایران کوچ دادند تا از این طریق کنترل بیشتری مردم ایران داشته باشند ولی پس از چندی همین امر موجب تشدید درگیری مناطق مختلف ایران شد چرا که این قبایل که ریشه در عصیبت جاهلی خود داشتند درگیر اختلافات طایفه‌ای و قبیله‌ای شده به تشنج در این مناطق دامن

ز دند. دوره امویان سب و لعن حضرت علی (ع) و خاندان او در سرتاسر خلافت اجباری شمرده می شد و ایرانیان که به خاندان اهل بیت عشق می ورزیدند با چشمی پر خون شاهد این توهین ها بودند هر از چند گاهی با قیام هایی خونین خشم خود را به خلفای اموی نشان می دادند. بهترین و عادل ترین خلیفه اموی عمر بن عبدالعزیز بود که سب و لعن علی و آل علی (ع) را متوقف کرد و از بار فشارهای تحمیلی بر مسلمانان غیر عرب بنحو محسوسی کاست ولی مخالفان خلیفه طی توطئه ای پس از دو سال او را بقتل رساندند. ایرانیان در دوران خلافت اموی جدای از جنگ ها و شورش های گوناگون سیاسی، در گیر جنگ فرهنگی با امویان بودند و با براه انداختن نهضت ادبی شعوبیه در تلاش برآمدند تا گذشته پرافتخار خود را به رخ اعراب کشیده و برتری خود را بر آنان ثابت کنند. آنان همچنین در امور دیوانی نیز نقش مهمی به خود اختصاص دادند و علیرغم نفرت خلفا و کارگزاران آنان، ایرانیان در ساختار و شالوده اصلی حکومت بنی امیه به سختی نفوذ کردند. امویان در دوران خلافت خود به قدری به ایرانیان محتاج بودند که سلیمان خلیفه اموی در این باره گفته بود: (عجبا ایرانیان هزار سال حکمفرمایی کردند و ساعتی ب ما احتیاج پیدا نمودند و ما صد سال خلافت کردیم و یکساعت بی مساعدت آنها نتوانستیم زندگانی کنیم). ایرانیان در نهایت کینه خود را بر امویان کارگر ساختند و ابو مسلم خراسانی سردار بزرگ ایرانی سرانجام به حکومت آنها پایان داد.

نحوه دفینه گذاری در دوره امویان:

شیوه اول دفینه گذاری: این نوع دفینه که در دوره سلطنت **یزید بن محلب** می باشد بدین گونه است که اغلب

در بالای کوه یا قلعه می ساختند و گوشه قبله قلعه **چاهی** تعبیه می کردند که دقیقاً در چاه سمت قبله **دو عدد سنگ کبود**

شکل سنگ آبیاب ساخته و بعد از کاویدن مقداری به نشانه کله حیوانی رسیده می شود که بعد از آن یک دیک

بوده و دقیقاً زیر دیک نیز یک راه مخفی نمودار می شد که به دو سمت راه داشت یکی به سمت قبله که خالی بوده و

دیگری سر مشرق که به یک اتاقی ختم می شود که دفینه داخل آن می باشد. شامل ادوات و سلاح جنگی می باشد

شیوه ۲: این نوع دفینه اغلب در **شاه نشسته یا شاه تپه** مایده می شود. در روی شته سنگی را قرار داده و روی آن را

می نوشتند " **عمر رضوان الله** " و دفینه را که شامل یک خمره سکه عمر خطاب است زیر سنگ دفن می کردند.

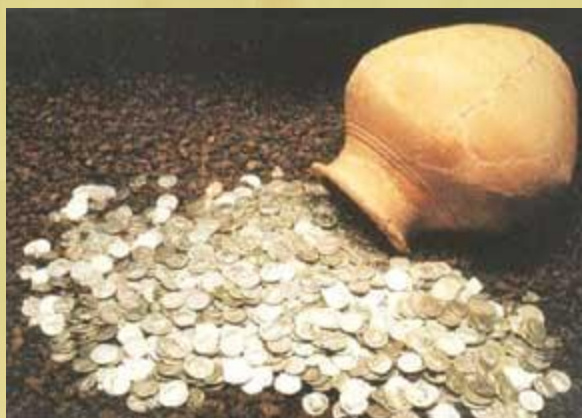
شیوه ۳: **کافر قلعه یا قلعه کبری** در نظری گرفتند و میان قلعه سنگ سیاهی را که روی آن **شکل شمشیر** بصورت

حکاک می کشیدند در نظر گرفته دفینه که شامل ۲ خمره سکه بود زیر سنگ پنهان می کردند سکه هم بوط به عمر خطاب می باشد.

شیوه ۴: نشانه مار مولک و بزجه در ایران نشانه بار نیست و فقط توسط اعراب ایجاد شده است. چون اعراب

وحشی علاقه زیادی به بزجه بزرگ دارند.

دفینه های امام حسنی (ع):



شیوه دفینه گذاری اول: این نوع دفینه ها اغلب در کنار **بهارخانه های قدیم** که کنار رودخانه قرار داشت ۲ سنگ

سرخ و سفید را نشانه می گذاشتند و بعنوان شاخص، روی سنگ سفید نشانه شانه و روی سنگ سرخ علامت انگشتر را می گذاشتند. دفینه زیر سنگ سفید رنگ بوده و یک یا یک خمره سکه امام حسن (ع) بود.

شیوه ۲: قلعه های کافر دارای اهمیت بودند، در وسط قلعه سنگ بزرگی را بعنوان شاخص در نظر گرفته و نشانه

می گذاشتند نشانه علامت آن مثل شمشیر بود دفینه دقیقاً زیر سنگ پنهان می شد و شامل سکه امام حسن (ع) بود.

شیوه ۳: در زیر دست قلعه های کافر **درخت مازو** بعنوان شاخص در نظر می گرفتند، سمت قبله پشت درخت با فاصله ۵

ارش از درخت سمت قبله در نظر گرفته و دفینه را در آنجا قرار می دادند. اغلب خمره سکه امام حسن بود و روی آن را با

سنگ محکم پلپ می کردند.

شیوه ۴: در مکانهایی که به **سیریا** مشهور است اغلب تلی درست می‌کردند و بالای تل نیز قلعه می‌ساختند

زیر دست قلعه سنگی را بعنوان شاخص در نظر گرفته و دغینه را زیر آن پنهان می‌کردند. دغینه شامل دیگ بود.

شیوه ۵: اغلب در راه‌های **مالرو یا شاهره‌های اصلی** چشمه‌ای را در نظری گرفتند. سرچشمه یک چاه و بالای

چاه طرف مشرق چشمه بود. دقیقاً پشت چشمه یک پشته‌ای بصورت ریخته شده ساخته و دغینه را دقیقاً وسط پشته قرار

می‌دادند. دغینه شامل خمره سکه امام حسنی (ع) بود.

شیوه ۶: همانطور که در شیوه‌های قبلی اشاره شد درخت مازو بعنوان شاخص در نظر گرفته میشد که اغلب با فاصله‌های

مختلف به سمت‌های مختلف پنهان می‌شد. اغلب در زیر خود درخت نیز که روبه‌قبله بود یک خمره دفن می‌کردند

البته این بر تمامی درختان مازو شامل نمی‌شود. بهتر است قبل از تخریب درخت با دستگاه فلزیاب مطمئن شوید.

شیوه ۷: اغلب در بالای تپه‌ها و سنگ‌سیاه و سفید در نظری گرفتند و علامت حلقه را روی آن صورت حکاکی

یا بر حبه‌کار می‌کردند دغینه زیر سنگ دفن می‌کردند عمق بار اغلب یک زرع بود دغینه هم شامل یک خمره بود.

حکومت بنی عباس (عباسیان):

خلافت عباسی توسط نوادگان عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر، که از بنی هاشم بود در سال ۷۵۰ میلادی در حران تاسیس شد. مرکز این خلافت بعدها از حران به بغداد منتقل شد، حکومت عباسی در بغداد سال ۱۲۵۸ میلادی پس از یورش مغولان به پایان رسید. سپس توسط بازماندگان این دودمان حکومت مذکور قاهره منتقل شد؛ در سال ۱۵۱۹ میلادی پس از فتح شام و مصر توسط ارتش عثمانی سلسله عباسیان منقرض شد. بنی عباس سیاست داخلی اداره کشور مانند امویان همان سیستم اداری روش ایرانیان پسندیدند و پیش گرفتند خلافت بنی عباس در سال ۱۳۲ هجری قمری توسط شخصی به نام سفاح تشکیل شد. مردی که در به قدرت رساندن خلافت بنی عباس نقش مهمی داشت ابو مسلم خراسانی بود که بعد ها توسط منصور جانشین برادرزاده سفاح به قتل رسید. منصور حکومتی را که عمویش پایه گذاری کرده بود قدرتمند کرد و پایتخت حکومت بنی عباس را به شهر بغداد منتقل کرد و تمامی دشمنان خود را به شدت سرکوب کرد. قدرتمندترین فرمانروای خاندان بنی عباس هارون الرشید است که در زمان او قلمرو خلافت بنی عباس در اوج وسعت قرار داشت. با این همه بسیاری که از قدرتی که به هارون الرشید نسبت می دهند به خاطر وزیر بزرگ او یحیی برمکی بود. یحیی برمکی با هارون الرشید بزرگ شده بود با این حال بعد ها دلیل قدرت بسیاری

که به دست آورده بود کشته شد. بعد از مرگ هارون الرشید میان دو پسر او امین و مامون بر سر قدرت درگیری اتفاق افتاد. امین بعد پنج سال حکومت توسط برادر خود کشته شد. چون مامون به یاری ایرانیان به قدرت رسید پایتخت بنی عباس از بغداد به شهر مرو در خراسان انتقال داد. این کار مامون مخالفت بزرگان خاندان بنی عباس قرار گرفت. مامون برای اینکه بزرگ شیعیان علی بن موسی الرضا را زیر نظر مستقیم خود بگیرد، او را به مرو آورد مقام ولیعهدی ایشان پیشنهاد کرد. علی بن موسی الرضا به شرط آنکه در کارهای سیاسی دخالتی نکند هیچ کسی را عزل یا نصب نکند قبول کرد با این وجود یک سال بعد ایشان توسط خلیفه ی بنی عباس مسموم و کشته شد و مامون دوباره پایتخت بنی عباس را به بغداد انتقال داد. بعد مرگ مامون قدرت خاندان بنی عباس رو به انحطاط نهاد و قسمت های قلمرو این حکومت سر به طغیان برداشتند حکومت هایی برای خود تشکیل دادند. شاید بعد از مامون بتوان به دو نفر از خلفای بنی عباس اشاره ی کوتاه کرد. یکی معتمد که در زمان او یکی از شاهان ایران به نام یعقوب لیث برای سرنگونی حکومت بنی عباس به بغداد حمله کرد ولی شکست خورد کمی بعد بر اثر بیماری مرد. دیگری منصور که تلاش بسیاری کرد تا حکومت ایرانی خوارزمشاهیان را در خراسان سرنگون کند به همین جهت مغولان را تحریک کرد که به ایران حمله کنند. آخرین خلیفه ی بنی عباس معتصم مغولان شکست خورد و تسلیم شد و حکومت بنی عباس سرنگون گردید

شیوه و طریقه دفینه گذاری در دوره بنی عباس (عباسیان):



شیوه اول: این نوع دفینه اغلب در **قراول خانه** که در کنار راه های قدیم دست می کردند بود. در کنار قراول

خانه با برج هایی برای دیده بانی شهر و کاروانیان و مسافران می ساختند. اغلب دفینه ها در وسط برج پنهان می کردند و

با ساوج پلمپ می کردند. این نوع دفینه ها برای خرج سپاهیان یا تعمیر مورد استفاده قرار می گرفت.

قراول خانه: مکانی بلند قریب یک فرسنگ بیرون شهر که شب و روز سربازان در آن مراقب بودند و چون سپاه

دشمن را از دور می دیدند برای اطلاع مردم شهر آتش روشن می کردند یا به وسیله ای آنان را آگاه می ساختند.

۲- اطاعتی که قراولان یک واحد نظامی در آن مستقرند، پاسدارخانه



شيوه ۲: در پل های بسیار بزرگ تاریخی بعضی شهرها که بر مسیر رودخانه باقراری گرفت بالای پل سمت شمال

۳ قبروارونه قرار داده و داخل قبر وسطی یک دفینه قرار می دادند که شامل طاس بود.

شيوه ۳: این نوع دفینه ها اغلب در کنار **دختان کردو** دفینه گذاری می شد بدین صورت که با فاصله یک گام

بلند از دخت یک سنگ جگری رنگ می گذاشتند و دقیقاً زیر آن سنگ دفینه را پنهان می کردند و اغلب

دفینه شامل مشربه هارون الرشیدی بود.

طریقه ۴: این نوع شیوه که مربوط به یک منطقه خاص در شمال کشور است و فقط محض یادگیری و جنبه آموزشی یاد

می‌دیم. در سرودخانه پشت برج زار زیر سنگ یک یک سکه از زبیده خاتون زوجه هارون الرشید دفن می‌کردند.

شبهه ۵: زندان خانه های قدیمی سنگ شتر در مناطقی به اسم شکر می‌خوانند بود، جلوی شتره قبر که از کج و سنگ

ساخته شده است می‌باشد، در قبر میانی یک خمره سکه دوره اسلامی هارون الرشید می‌باشد.

شبهه ۶: برج های قدیم که برای دیده بانی کاربرد داشتند اغلب آنها خراج سپاسیان در وسط برج که یک خمره سکه

مقتضی بود دفن می‌کردند.

شبهه ۷: اغلب در کنار درخت چنار و مقابل شانه او یک قبر وارونه وجود داشت که داخل قبر یک خمره سکه

هارون الرشیدی بود.

شبهه ۸: در اطراف امامزاده چشمه ای وجود داشت و بعضی از این چشمه ها لوگر و نیز داشتند بالای آن چند درخت

قدیمی بود و مقابل درخت سنگ مربعی شکل جاری شده بود و دینۀ زیر سنگ مربع دفن می کردند.

شيوه ۹: حوالی بعضی قبرها سمت جنوب دره زانۀ هائی می ساختند و در زانۀ رابا سنگین پلپ می کردند و دینۀ دقیقا

وسط زانۀ پنهان می کردند که به لایه های کچ و ذغال رسیده بعد به یک خمره هارون الرشیدی رسیده می شد.

شيوه ۱۰: اغلب عارت های باستانی که خراب شده و به تپه مبدل گشته اند از طرف مشرق باید به سمت مرکز تپه رفته به

خمره دوره عباسی رسیده می شود.

شيوه ۱۱: در تخت های قدیم (مکانهای تخت نشین و جای صاف) که در زمانهای قدیم نقاره خانه بود طرف

شمال سنگی که نشانه هارون داشت می ساختند زیرا آن سکه عباسی پنهان و دفن می کردند.



ابو مسلم خراسانی

گنج تدمر:

اماعیل بن محمد بن خالد القسری نقل کند که بامروان حار بودم وقتی که شهر تدمر را خراب میکرد، سوراخی ظاهر شد خدای پیدا کردید در زیر زمین، و تختی گذاشته شده بود و زنی بالای آن تخت بود با کیسوان دراز و قدم آن زن، سواهی انگشتان به قدر یک ذراع بود، و حلی و زیور بسیار بر او پوشانیده بودند و لوحی از طلا در کیسوان او بود، در او نوشته شده بود که نام من تدمر، دختر حسان، هستم، خدا ذلیل کند آن را که داخل در این خانه شود. پس، مروان امر کرد که در آن سردابه را بستند و چیزی از زیور آن زن برنداشتند. اماعیل گوید که چندی نگشید که عبدالله علی با لشکر بسیار آمده بامروان حرب نمود ملک از او بستند.

و تدمر، صورتهای بسیار از سنگ تراشیده اند و صورت دو جاریه در پهلوئی هم تراشیده شده در غایت حسن و جمال جاری را در غایت غربت در آن دو صورت معمول داشتهاند؛ چنانکه اوس بن ثعلبه در وصف آن دو صورت گفته است:

وتاتی اهل تدمر خبرنا ما تسلا طول المقام..... قیا کما علی غیر اعمشیا علی حمل اصم من الرخام

فلم قدم من عدد الیالی العصر کما و عام بعد عام

گنج اردشیر :



بعد از آن اردشیر چون فارس را مسخر کرد انید لشکر موجب طلبیدند میخواست که قسمتی کند نمیتوانست که به لشکری نهد، عظیم مستکر و غمگین شد و لشکر را وعده داد.

روزی در صنفه ای تکیه زده بود، ماری سیاه دید که بر بالای سقف صنفه در سوراخی رفت قوم را گفت که این مار را بیرون آورند و بکشند و دیوار بشکافند، دغینه ای عالی یافتند و به لشکر قسمت کرد. و هم در آن روز خیاطی که خیاط بزرگان آن ولایت بود گفت که چندین صندوق جواهر و جامه های قیمتی پیش من نهاده [است].

بنی عباس و گنج اسکندر:



در میان شام و جاز شهری است که آن را تیما میخوانند و حسنی بغایت محکم دارد از سنگهای ملون و عریان آن را

حصن ابلق میخوانند و آن را سلیمان ساخته است و اشعار بسیار به وصف آن گفته اند و مثل شده.

بعد از آن مناره اسکندریه، چیزی بغایت عجب ساخته اند. و یکی از عجایب دنیا مناره اسکندریه است و اصل

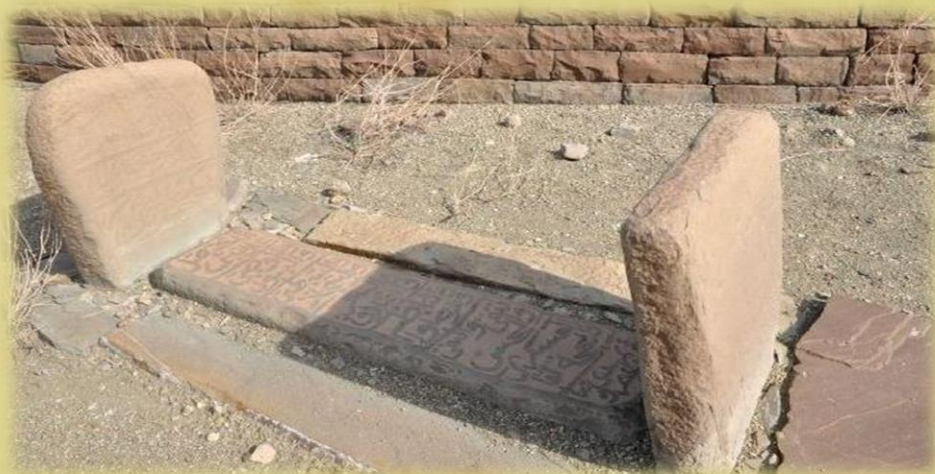
آن از آبگینه بود و شکلی چون خرچنگ ازم ساخته بغایت بزرگ و در میان دریا و آب نهاده اند و پرشت آن

بنیاد مناره از آبگینه کرده اند و از جانب مناره تا کناره زمین قطرهای از آبگینه ساخته اند و چهار صد و پنجاه گز بلندی

آن منار است غلیظ و قوی کرده بودند چنانچه سیصد و شصت و پنج قطره از جوانب مناره از زیر تابا بساخته اند و بر بالای مناره آینه‌های بزرگ روشن بوده که هر کس در آنجا بودی تالون جامه و عدد ایشان همه را می نمود و در آن آینه می دیدند. قریب سیصد و بیست فرسنگ است تا به قطنیه و چون از روم و فرنگ لشکری عزیمت محاربه می کردند تا با مسلمانان جنگ کنند چون در حرکت می آمدند اهل اسکندریه را معلوم بوده به کار سازی و دفع و جواب لشکر مشغول می شدند. فرنگیان می خواسته اند که حمله کنند و آن آینه را خراب سازند. یکی از خلفا که به اسکندریه رفته بود میگویند که خلیفهای از آل عباس بود.

جاسوسی، فرنگیان فرستادند بر سبیل درویشی تا در آن خانه‌های منار اسکندریه مجاور شد و به خلیفه گفت در زیر این مناره گنج اسکندر است، بفرمود تا آن را خراب کردند تا قعر دریا و آب، شکل سرطانی یافتند مس و بیج گنج نبود و چون آن شخص را طلب کردند گریخته بود. دانستند که آن جاسوس از فرنگ بوده و حمله کرده. پس خلیفه بفرمود تا استادان بنا را بیایند تا باز مناره بر آورند و آخر از کج و آجر ساختند و دانک آنچه اول بود.

آیین تدفین و ساختار قبرها در دوره اسلامی :



پس از ورود دین اسلام به ایران دیگر آیین هایی که مربوط به زندگی پس از مرگ می شد از بین رفت و دیگر همراه مرده نه خمره ای دفن میشد و نه اشیاء فلزی مگر جنگ های بین عرب ها و ایرانیان بعد از مرگ به دلایل شرایط بد جنگی جنازه را در همان قسمت با تجهیزات خود دفن میکردند و بعد پیروزی اسلام رواج پیدا کردن دین اسلام میان ایرانیان بعد از مرگ همراه مرده فقط تسبیح و مهر یک یا چند انگشتر نگین دار دفن میشد و مرده را به سمت قبله دفن میکردند البته یک سری از این قبرها جهتش با قبله امروزی متفاوت است و همه آنها را با قبر زردتشتی همان گبری اشتباه میگیرند و بعد از کاوش داخل آن چیزی پیدا نمیکند قبرها همان قبرهای مسلمانی است ولی به دلیل نبود مکه آن زمان جسد به سمت قبله قدیم بیت المقدس دفن میکردند.

قبرهای پادشاهان:



ساختار قبر پادشاهی به دو شیوه بود: قبل از اسلام و بعد از اسلام در قبل از اسلام بصورت دخمه بوده مانند آرامگاههای صخرهای پادشاهان هخامنشی نمونه های دیگر قبرهای پادشاهی به صورت تل های خاکی است که هم قبل از اسلام کاربرد داشت هم بعد از اسلام در قبل از اسلام این تل ها برای قبر ملکه ها و خاندان سلطنتی استفاده میشد ولی بعد از اسلام برای پادشاهان و سرداران بزرگ استفاده می شد و ساختارشان به این صورت بود در قسمت طلوع یا غروب درب را تعبیه میکردند که به دخمه درون تپه راه داشت . در زمان اسلامی نوع قبرهای پادشاهان کم کم از حالت دخمه ای درآمد و به بنا تبدیل شد نمونه آنها همان بقعه ها هستند .



دفینه بقعه ها (قبرهای سلطانی):



این قبرها متعلق به قبر پادشاهان در زمان اسلامی بوده مثال:

۱- شاه عباس اول: بقعه او در سمت جنوب غربی حرم مطهر و وصل به ان بود.

۲- شاه صفی: قبر او در رواق جنوبی حرم واقع بود و صندوقی روی قبرش بود

که امروزه در موزه قرار دارد.

۳- شاه سلیمان شاه سلطان حسین: بقعه این دو در وسط بنای جدید مسجد بالا سر



۴- فتحعلی شاه: در شمال غربی صحن کهنه (طلا) پشت مدرسه فیضیه می باشد

که سنگ روی قبر این پادشاه تصویرش می باشد که بسیار زیباست.

۵- محمد شاه قاجار: بقعه او در همین صحن در سمت جنوب غربی و در حد

فاصل میان صحن مسجد اعظم واقع است که سنگ قبر نیز بسیار دیدنی است.

در کنارش بقعه همسرش مهد علیا قرار دارد دیده می شد.

دیفنه یا خمس آنها را در کنار جنازه و ۷۰ سانت زیر سر جنازه و سربار آن را در

زیر محراب در زیر کفش کن جلوی درب ورود بین تک درخت و درب قرار

میدادند سری دیگر را لای درختان زیر درختان و وسط دو درخت قرار میدادند



قلعه های دوره اسلامی در ایران:



معماری و شهرسازی اوایل اسلام که متأثر از معماری قبل اسلام بویژه دوره ساسانیان است تفکرات دفاعی مورد توجه بوده است به طوری که معمولا هر شهر اسلامی از سه بخش تحت عنوان کهندژ، شارستان و ربض تشکیل می گردید، مهم ترین بخش ها کهندژ یا ارگ بود که عبارت بود از قلعه های که در وسط یا گوشه شهر قرار داشته و معمولا از یک سو به باروی شهر پیوسته بود تا همواره برای دفاع و مقابله با تهاجمات دشمن آماده باشد، از جمله کهن دژهای معروف می توان کهن دژهای شهرهای ایران سمرقند، بخارا، بلخ و نیشابور را نام برد. رباط ها از بناهای دفاعی و نظامی صدر اسلام است و قلعه های نظامی مرزی را در دوران معینی رباط می گفتند، مانند رباط نصیبین که در سرحد میان ایران و روم شرقی بنا شده بود و نگهبانان آن از دیلمان می آمدند، رباط ها را می توان از نخستین استحکامات سازه ای محسوب نمود که در نقاط بی



حفاظ مرزی پناهگاه گروهی جهادگر بودند. پس از تثبیت اسلام در مناطق اسلامی برطرف شدن تهدید سوی غیر مسلمانان در مرزها، معنی واژه رباط با مسجد یکی شد. قلعه های ایران، به دو نوع جلگه ای و کوهستانی، مصالح ساختمانی آنها نیز متفاوت است، طرح اصلی قلعه های جلگه ای مربع و یا مربع مستطیل است که چهار گوشه آن برج های مدور برای دفاع ساخته شده اند، مصالح این قلعه ها خشت و گل است و به ندرت از آجر و گچ استفاده شده استبارو (دیوار ضخیم) این قلعه ها چینه (دیوارهای گلی که آن را بند بند می سازند) است یا با خشت های قطور ساخته شده است، برای استحکام آن قطر و ضخامت بعضی از بارو ها به چهار متر هم می رسید. اطراف بعضی از این قلعه ها خندق حفر می کردن و برای رسیدن به قلعه از پل های متحرک بهره می گرفتند. بعضی از این قلعه ها به دلیل امنیت آن ها محل سکونت کشاورزان و روستاییان شد که با گذراندن خیابانی معمولاً شمالی و جنوبی تامین آب آشامیدنی خانه های روستایی در دو طرف خیابان ساخته می شد. از این قلعه ها می توان به قلعه بیاضه بیابانک و هنجن در سر راه نطنز به ایبانه است اشاره کرد که تا این اواخر محل سکونت بوده است، این قلعه دارای برج و باروی ضخیم بسیار بزرگ بوده است. داخل قلعه کوچه های پر پیچ و خمی داشته است که همه آن ها به گذر اصلی قلعه که به در قلعه منتهی می شود راه دارند، خانه ها دو طبقه هستند و از طبقه زیرین برای نگهداری دام و یا انبار مواد غذایی و آشپزخانه استفاده می کردند و اتاق های نشیمن در طبقه دوم قرار داشته اند.

تمام دوران اسلامی، در ایران قلعه های بسیاری داخل شهرها به وجود آمدند، برای

مثال می توانیم از ارگ کرمان و قلعه فلک الافلاک در خرم آباد و ارگ نام برد. قلعه های اوایل و اواسط دوره اسلامی سرتاسر ایران پراکنده هستند و به طور کلی در کنار شاهراه های ارتباطی ساخته شده اند، نمونه این قلعه ها شبکه وسیع قلعه های اسماعیلیه است که در نقاط مختلف بنا شده اند یا قلاعی که فقط برای محافظت از راهها و ایجاد امنیت در مسیر های کاروان رو ساخته شده اند یا قلاعی که در نزدیک پلها و رودخانه ها ایجاد شده اند، مانند قلعه ای که در شمال رودبار در بستر سفید رود احداث شده است. یکی از بزرگترین و قدیمی ترین قلاع ایران، قلعه گلی است در جاده کاروان رو ورامین به قم نزدیک محلی به نام کاج ساخته شده و شامل تعداد بسیاری برج مستحکم مستطیل شکل است که به خوبی قادرند از قسمت حیاتی جان و مال ساکنان قلعه محافظت کنند. بنای قلعه را می توان به دوره شاهنشاهی ساسانیان نسبت داد و اگر هم در آن زمان ساخته نشده باشد قطعاً در قرون اولیه اسلامی در زمان سلجوقیان ساخته شده است، زیرا دیوار های آن شباهت بسیاری به دیوار های رباط سنگی دارد که متعلق به دوران سلجوقی است. هنر قلعه سازی در ایران از آغاز ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی تا زمان حاضر به تدریج تکامل یافته، پیشرفت هایی که لحاظ جنگی برای مهاجمان و نیز مدافعان به وجود آمده و استفاده از فنون جدید در جنگها موجب شده که برجهای مدور بزرگتر و نزدیک به هم و دیوارهای مستحکم تر بنا شوند.

حکومت صفاریان در ایران:



صفاریان یا ماهکیان از دودمان‌های ایرانی فرمانروای بخش‌هایی از ایران بودند. پایتخت ایشان شهر زرتنگ بود و آنان را نوادگان ساسانیان می‌دانستند که پس از حمله اعراب به سیستان مهاجرت کرده بودند.

یعقوب لیث صفاری مردی عیار جوانمرد اهل سیستان بود و به دلیل محبوبیتی که میان مردم آنجا به خاطر جنگ خوارج به دست آورده بود، توانست قدرت را به دست گیرد و به حکومت برسد. یعقوب لیث بعد از تشکیل حکومت خود، ابتدا به کرمان و شیراز حمله کرد و آن صفحات را تسخیر نمود، سپس به خراسان رفت و آنجا را فتح کرد و



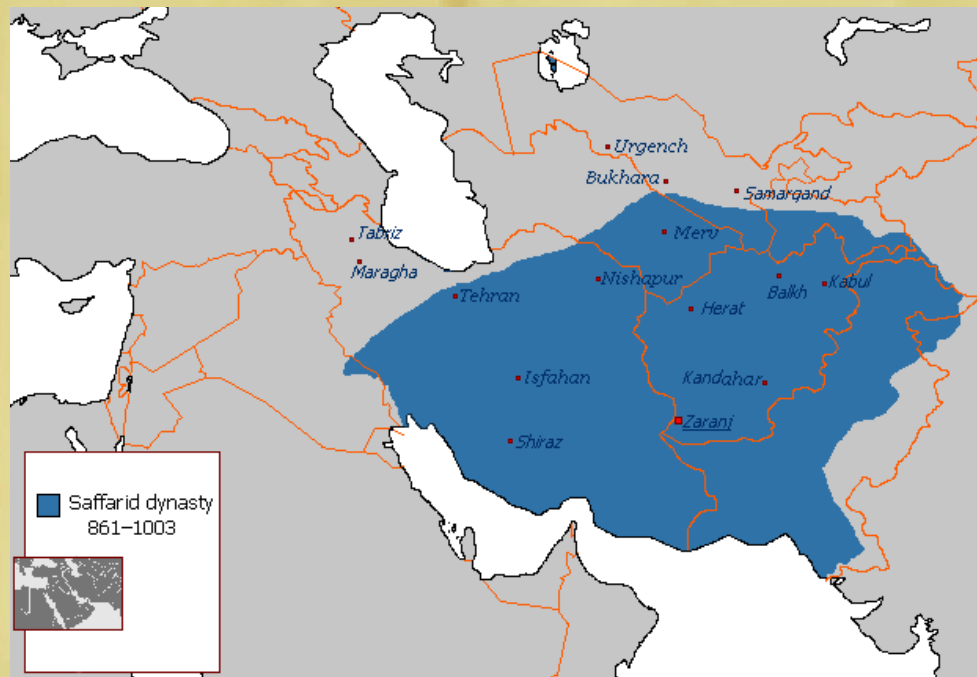
حکومت طاهریان را نابود ساخت. وی سپس به طبرستان رفت، ولی در جنگ با علویان طبرستان شکست خورد و عقب نشینی کرد. یعقوب لیث صفاری همیشه آرزو داشت روزی حکومت بنی عباس را سرنگون کند، به همین جهت با لشکری فراوان خوزستان را تسخیر کرد و به سوی بغداد حرکت نمود، اما در جنگ با خلیفه شکست خورد و به شدت زخمی شد. در اواخر عمر، دوباره با لشکر خود خوزستان را تسخیر کرد و قصد داشت دوباره با خلیفه جنگ کند، اما در همین زمان به طور ناگهانی بیمار شد و کمی بعد از دنیا رفت.



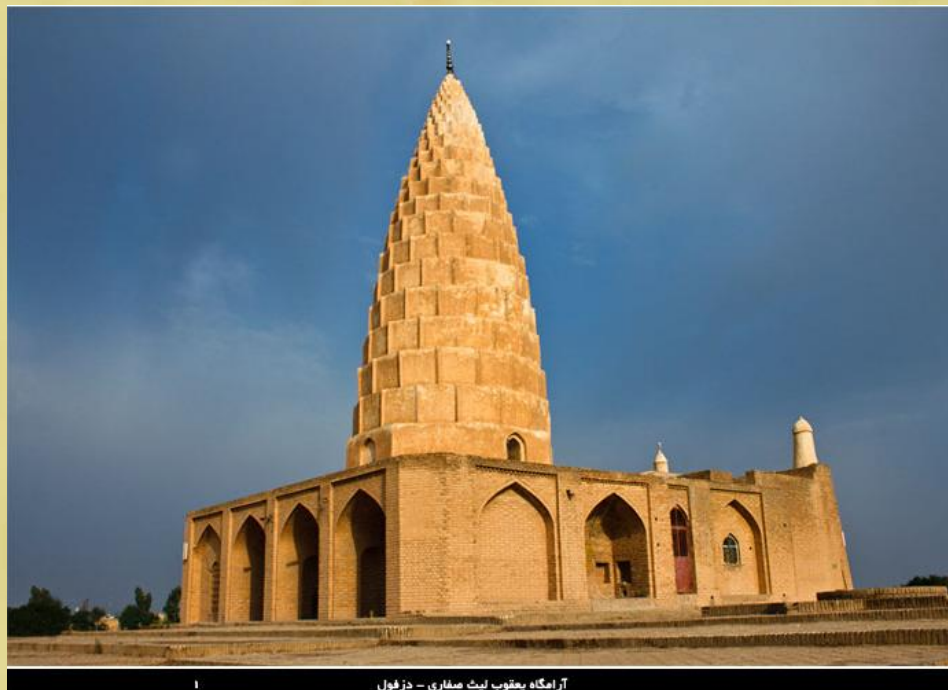
سکه های نقره یعقوب و عمر و لیث صفاری ضرب شده در ۲۶۰ و ۲۶۹ هجری

تمامی مورخان در این که یعقوب لیث مردی بسیار شجاع و دلاور باهوش و سیاستمدار است، اتفاق نظر دارند. بعد از مرگ او برادرش عمرو لیث فرمانروای سیستان و کرمان شد. عمرو لیث هم چون برادر مردی بسیار شجاع بود، با این حال در ابتدای حکومت با خلیفه بیعت کرد. پس از چند سال عمرو لیث حکومت خراسان را از خلیفه بنی عباس

طلب کرد. خلیفه گفت که اگر عمرو در جنگ با امیر اسماعیل سامانی حاکم خراسان پیروز شود، حکومت خراسان دست او خواهد بود. عمرو لیث در جنگ امیر اسماعیل سامانی شکست خورد اسیر شد نزد آن خلیفه بغداد به قتل رسید.



آیین تدفین در دوره صفاریان:



آرامگاه یعقوب لیث صفاری - دزفول

در این قسمت قصد داریم معماری مقبره یعقوب لیث که موسس حکومت صفاریان بوده را مورد جستجو و تحقیق علمی قرار بدهیم.

آرامگاه یعقوب گنبدی دنداندار که به شکل مخروطی است که معماری تلفیقی از معماری ایرانی و رومی است. سازه اصلی بنا خشت خام است و نقوش برجسته و ملات گچ و خاک دارد و خاکی رنگ که با دو قلعه کوچک و سبک آجرکاری سنتی ایرانی این بنا را دیدنی تر کرده است. بنای آرامگاه از یک ورودی برخوردار و سطح داخلی آرامگاه را از سطح بیرونی آن جدا می کند. در اطراف بقعه، قبرستان وسیعی است در آن وجود سنگ قبرهای قدیمی، نشانگر تاریخ کهن این بنا می باشد.



بنا به اظهار مردم محلی حدود ۲۰ الی ۲۵ سال قبل کتیبه‌ای بر روی دیوار گنبد به خط عربی قدیم وجود داشته و در آن اسم یعقوب لیث سردار بزرگ نخستین شهریار ایرانی (پس از اسلام) به روشنی نوشته شده بود. آرامگاه لیث صفاری وضعیت مناسبی ندارد و در ضریح آهنی مقبره آن از چوب صندوق میوه برای اتصال بخشهای مختلف استفاده شده و روی آجرها و دیوار قدیمی آرامگاه میخهایی زنگ زده و تار عنکبوت جلب توجه می‌کند.



بنای آرامگاه یک ورودی برخوردار است سطح داخلی آرامگاه را از سطح بیرونی آن جدا می‌کند. سازه اصلی بنا خشت خام است نقوش برجسته و ملات گچ و خاک دارد. اما امروز بنا به دلایلی و نبودن آن کتیبه این بقعه شابوالقاسم یا پیر شابوالقاسم می‌نامند. این در حالی است که محققان و شرق‌شناسان جهان، همگی بر این عقیده‌اند آرامگاه از آن یعقوب لیث صفاری است.

حکومت سامانیان در ایران :

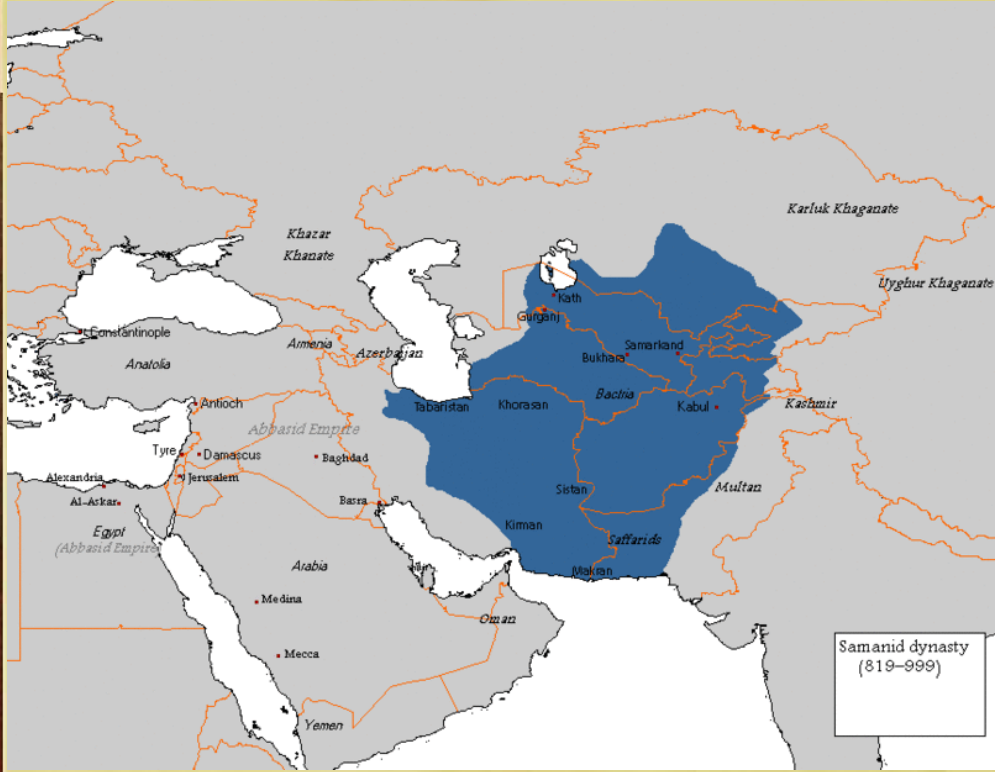


سامانیان (۲۶۱ - ۳۹۵ ق / ۸۷۴ - ۱۰۰۴ م) یکی از دودمان‌های ایران کهن بودند که کم‌بیش بر همگی سرزمین‌های خراسان، هیرکان، مکران، سیستان، خوارزم و کرمان فرمان‌روایی کردند و باعث رشد و شکوفایی زبان فارسی دری شدند. سامانیان به زبان فارسی علاقه زیادی نشان می‌دادند

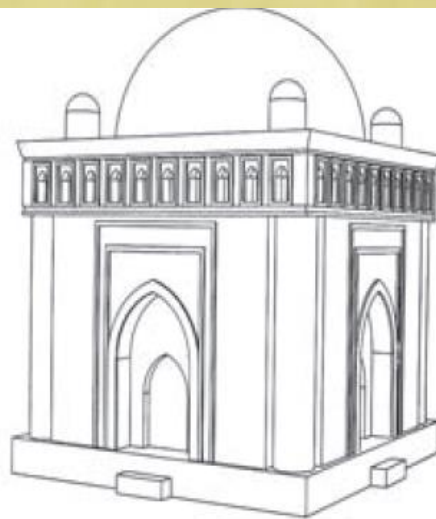
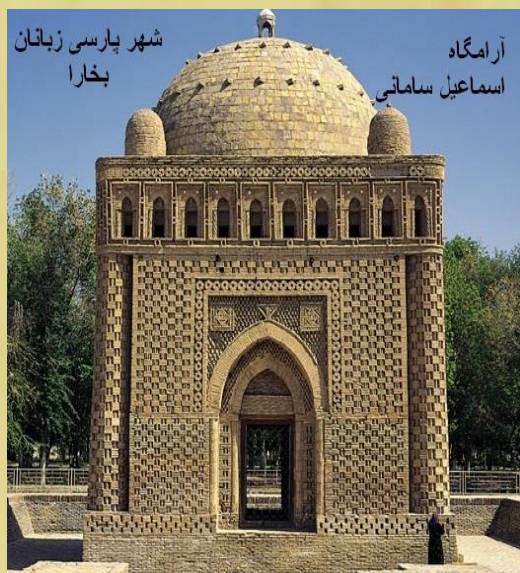
خاندان سامانی مردم بلخ و از نوادگان بهرام چوبین ساسانی بوده آیین زردشتی داشتند، سامان خدا بنیان‌گذار اعلیٰ خانواده از روشناسان محل و فرمانروای بلخ بود. اسد والی عربی خراسان در نیمه قرن هشتم با سامان دوست شد. سامان دین اسلام برگزید و نام پسر خود را اسد گذاشت. پسران اسد اشخاص با کفایتی بودند و قرن نهم عهد مامون عباسی به حکمرانی محلی فرارود هرات برگزیده شدند. مانند: علی در سمرقند، احمد در فرغانه و الیاس در هرات. ابراهیم پسر الیاس بود که بعدها سپهسالاری دولت طاهری ایران رسید. احمد حاکم فرغانه در ۸۷۴ فوت و نصر پسرش در سمرقند جانشین گردید. اسمعیل برادر نصر حاکم بخارا شد همین شخص است که بعدها دولت حسابی سامانی

را در سال ۸۹۲ بعد از مرگ نصر گرفت و در سمرقند پایه گذاشت.

مشهورترین حکیم و فیلسوف دوره سامانیان ابو علی سینا (رحمه الله) بود.



آیین تدفین در دوره سامانیان:



صویر شماره ۴۲-۳-ب- برسیکنیوی از مقبره امیر اسماعیل سامانی

چند دهه اخیر بیشتر آرامگاه امیر سامانی در زیر خاک قرار داشت، ازین گذشت زمان آسیب چندانی بخود ندیده است. امروزه تمام آن از زیر خاک در آورده شده است. این آرامگاه کهن ترین آرامگاه ایرانی تاریخ دار است. ساخت این آرامگاه از معماری شیوه رازی (که در قسمت بعدی توضیح خواهیم داد) الگوبرداری شده است. آجرکاری آن پیچیدگی بسیار زیبایی دارد. بنا یک چهار گوش ۱۰ در ۱۰ متر است و دارای گنبد نیم کره ای که در چهار بخش آن چهار بنای کوچک ساخته شده است. گنبد بر فراز اتاق چهار گوشي کمک کنج استوار شده که قابل مقایسه با شیوه گنبدسازی در دوره پارتی و ساسانی است و سبک آن شباهت به آتشکده های ساسانی دارد.

شیوه معماری رازی در دوره تدفین و هنر اسلامی:



شیوه رازی، شیوه‌ای در معماری ایرانی است که مربوط به سده پنجم تا آغاز سده هفتم (سامانیان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان) می‌باشد.

معماری این دوره را می‌توان مجموعه‌ای از تمام معماری‌های گذشته ایران دانست در این زمان بود که ادبیات ایران نیز زنده گشت و فردوسی شاهنامه را برای ایرانیان به جا گذاشت که یکی از پر افتخارترین آثار ادبی ایران است. معماری نیز در این دوره با نغز کاری پارسی، شکوه و عظمت پارتی و ریزه کاری خراسانی همراه بود.



آغاز کار این شیوه هر چند از شمال ایران بوده، اما در شهر ری پا گرفته است و بهترین ساختمانها در آن شهر ساخته شده اند گرچه در پی غارت شهر بدست محمود غزنوی از میان رفته اند. این شیوه از زمان آل زیار شروع و در زمانهای (آل بویه، سلجوقیان، اتابکان، خوارزمشاهیان) ادامه پیدا میکند. توضیح این نکته لازم است که در اواخر شیوه خراسانی بناهایی داریم که بیشتر به شیوه رازی میخورد. (بنای مقبره امیر اسماعیل سامانی، مزار ارسلان جاذب، مناره ایاز) با وجود اشتراک زمانی با شیوه خراسانیان بناهای اولیه شیوه رازی میباشند.

می توان دستاوردهای معماری این دوره را به صورت زیر دانست:

- پدید آمدن ساختمان با کارکردهای متفاوت همچون مدارس، آرمگاهها و...
- استفاده از طرح چها ایوانی در بناها
- استفاده از تاقهای چهار بخش، کاربندی، تاق کلنبو و تاق چهار ترک
- ساخت گنبد روش مختلف همچون گنبد رک گسسته ناری ابداع گنبد ۲ پوسته
- استفاده دوباره از مصالح مرغوب در بناها
- به کاربردن آجر پیشبر به دو صورت لعاب دار و بی لعاب
- ابداع شیوه معقلی که گره سازی با آجر و کاشی است
- به کاربردن نگاره های آجری با خطوط شکسته و مستقیم
- به کاربردن انواع گچ بری ها در بناها

۱. گچ بری شیر شکری بابر جستگی کم

۲. گچ بری برجسته با برجستگی بیشتر

۳. گچ بری زبره با برجستگی بیشتر بدون ساییدگی گوشه‌ها

۴. گچ بری برهشته با برجستگی زیاد

آنچه مسلم است دوره رازی را می‌توان رنسانسی برای ایران قدیم دانست که متاسفانه با حمله مغول به این کشور اکثر آثار این دوره نابود شد

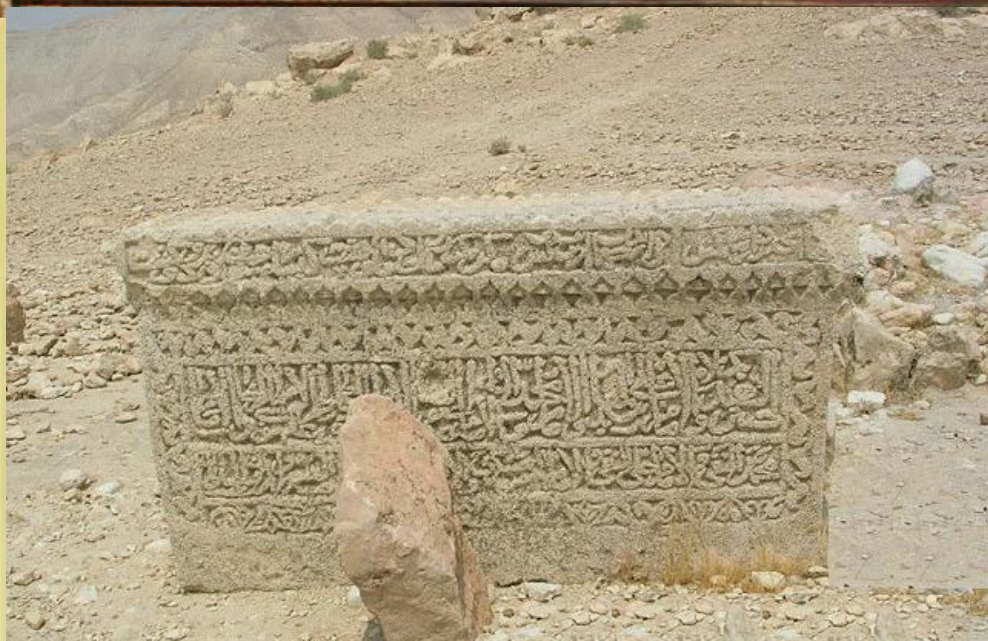


نحوه دفینه گذاری در دوره سامانیان و صفاریان:



شیوه اول: این نوع دفینه اغلب در چشمه های بنام لیث دفینه گذاری می شد. بدین طریق که در کنار چشمه ها سنگ صندوقی تعبیه می کردند و زیر سنگ یک خمره دفن می کردند. اغلب عمق دفینه بیش از ۲ متر نبود.





نکته: دقت شود که سنگ اغلب سنگ های صندوق مربوط به دوره اسلامی بوده و باید کامل و چهار تراش باشد و روی آن یا خط نوشته یا تصعین شده باشد در این صورت است که میتوان به آن سنگ صندوق گفت نوشته های به خط کوفی یا عربی در سرتاسر دور سنگ وجود دارد. این نماد مفهوم قبری مهم را میدهد دارای اموال همان شخص فوت شده است و در زیر خود صندوق قرار دارد اول به قبر برمیخورید و باید دید به چه دوره ای بر میگردد چون قبرها باهم از نظر تاریخ و جای گذاری اموال متفاوت هستند

شبهه ۲: اغلب در چشمه های که به نام لیس هستند سنگ قرمز رنگ که نشانه هم داشت دغینه را در زیر سنگ یک

خمره سکه بود دفن می کردند.

کلمه: توجه داشته باشید که منظورمان از کنار چشمه هاین است که سنگ های نشانه در کنار چشمه ها اغلب در سر چشمه ها یاد قسمت وسط چشمه های اتمامی چشمه ها بر عایت فواصل مختلف که اغلب باشیوه اعداد فرد بود که زارده دفن می شد سمت پایین برای دک بهتر توضیحات اضافی را در مورد دفینه موجود در چشمه ها در قسمت ذیل آورده ایم.

شیوه ۳: اغلب سلطان زادگان سامانی بدین گونه دفن گشته اند که **سنگ بالای** هم کار گذاشته شده اند سنگ وسط کوچکتر بوده و دو نشانه دارد زیر آن از سمت مشرق به سمت پایین ۵ اثرش کاویده شده و به دخمه ای رسیده است و در آن دخمه سلطان زاده های سامانی بودند که دفینه آنها اغلب بازو بند، شمیر و جواهرات بوده است.

کلمه: پس نوع آیین تدفین مربوط به این دوره می توان نتیجه گرفت که اغلب قبر بزرگان در دخمه های زانده ها بوده و متأثر از فرسنگ قبل از اسلام ایرانیان می باشد. البته تقعه ها در دوره اسلامی جانشین دخمه ها شده است. البته برای کشف چنین قبرهایی باید به اسامی مکان ها و تاریخ شهرها مراجعه کنید. قسمت ذیل نوع دفن دفینه در چشمه های دوره اسلامی را یادآوری می کنیم.

دفینه یابی در رودخانه ها و چشمه های آب :



در این قسمت دفینه هایی که در چشمه ها (برای درک بیشتر و بهتر مخاطبین) دفن شده است توسط اساتید علوم باستان و دفینه یابی ارائه می شود.

از چشمه ها جزء قدیمی ترین آثارها و پرکاربردترین محل برای مخفی کردن دفینه ها در باستان یاد شده . مردم از آب به عنوان آشامیدن , حمام کردن خاصیت های درمانی که اکثر چشمه ها داشتند استفاده میکردند و همین باعث میشد که اهمیت زیادی در گذشته داشته باشد و باعث معروفیت آن چشمه میشد هر چقدر چشمه معروف تر مورد استفاده بیشتری میان قبایل قرار می گرفت پس جای خوبی برای مخفی کردن دفینه ها



در کنار آن بود چون کاملا شناخته شده بود و شخصی که اموال خود را در اطراف آن مخفی میکرد خیالش راحت بود که مکان را از یاد نمیببرد و در قدیم هم مکانی را نداشتند که اموال خود را از گزند دشمنان و راهزنان و... در امان نگه دارند پس شروع به دفن ثروت خود در این مکانهای معروف میشدند. همه چشمه ها طبیعی نیستند و تعدادی از آنها به صورت دست ساز طراحی میشدند. ما چشمه ها را به دو دسته تقسیم میکنیم طبیعی و غیر طبیعی و یا همان دست ساز.

چشمه های طبیعی که خود جوش و به صورت طبیعی از دل زمین بیرون می آمدند و هیچگونه دستکاری در آن نشده بوده پس قضیه آن در علم فنون دفن دینه کاملا متفاوت با دست ساز بوده است و برای مخفی کردن دینه از اطراف آن استفاده میشده

- ۱- به صورت سنگی بالا و پایین سر چشمه که رنگ آن کاملا متفاوت با رنگ سنگ های دیگر بود. معمولا به رنگ اوخرایی و یا کبود بود که دینه زیر آن قرار میگرفت.
- ۲- به صورت تپه ای کوچک یا بزرگ که دینه داخل این تپه جاساز میشد.
- ۳- به صورت تک درختی در کنار چشمه که باز دینه زیر درخت قرار میگرفت.
- ۴- به صورت چند درخت که دینه بین نزدیکترین درخت به چشمه قرار میگرفت.
- ۵- به صورت تنور به شکل سه ضلع و یا ستاره داوود که دینه در نوک مثلث و یا تنور سوم قرار میگرفت.

اینها در کنار چشمه های طبیعی بود حال میردازیم به چشمه های دست ساز



_ چشمه های دست ساز به چشمه هایی گفته میشود که تفاوت بسیاری با چشمه های

طبیعی دارند و با حفاری کردن در چشمه آب آن خشک میشود و یا به صورت

قل قلی و یا تایی آب آن کم و زیاد میشود. این نوع چشمه ها دست ساز هستند که

طراحی خاصی در آن بکار رفته از بعضی از این چشمه های دست ساز به عنوان محل

نگهداری غذا استفاده میشود و از بعضی هم محل نگهداری دفینه ساختار آنها به این

صورت بود که چاهی عمیق را حفر میکردند و قبل از اینکه به آب برسند در وسط آن

اتاقکی راطراحی میکردند و اتاق را به صورت پلمپ درست میکردند و فقط یک

سوراخ در اتاقک ایجاد میکردند و از سوراخ لوله های سفالی به هم متصل میکردند

آب را جهت میدادند حال در پایین بنده عکسی را که بهتر بتوانید متوجه شوید .

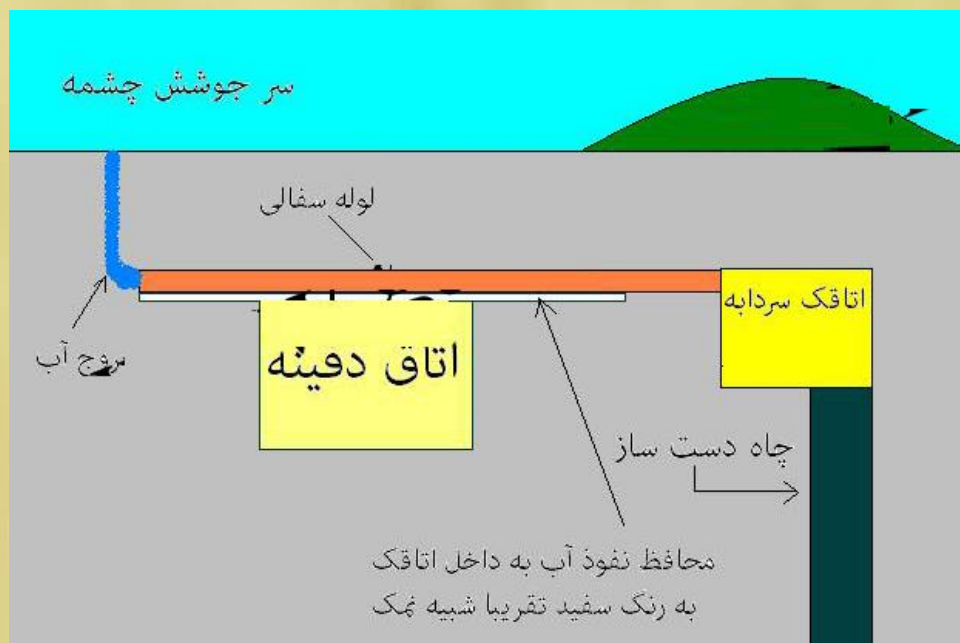
حال که آب را مسیر میدادند کف چاه را باز میکردند و آب که از زمین جوش میزد به

داخل چاه دست ساخت با فشار به بالا می آمد و چون در مسیر چاه اتاقک دست ساز

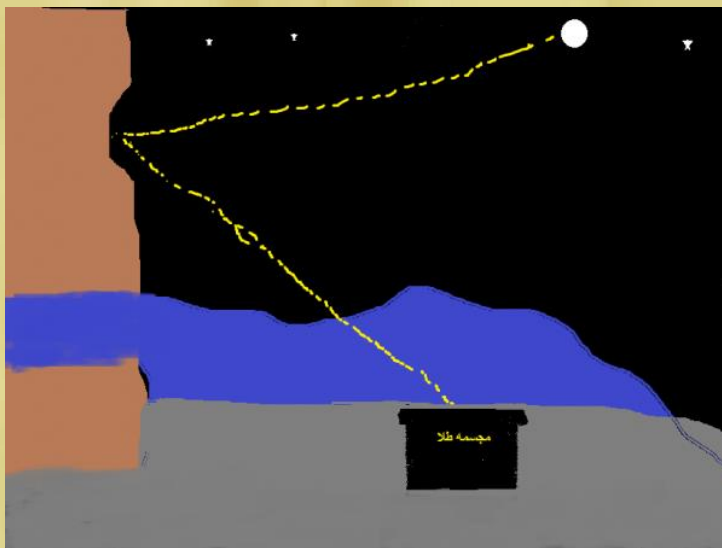


وجود داشت به صورت سردابه عمل میکرد و در آن جمع میشد و با فشار از داخل لوله های سفالی به هر مسیری که خواستند آن را انتقال میدادند و برای همین است که وقتی این چشمه ها را دست میزنید خشک میشوند چون یک بار این اتاق که چشمه برای اولین بار جوش زده هواگیری شده و وقتی سر چشمه دست میخورد داخل دالان هوا نفوذ میکند و چشمه کاملا غیر فعال میشود تقریبا شبیه کار روبین و یا موتور آب کشاورزی میباشد که وقتی هوا میگرد آب را بالا نمیکشد .

حالا محل دفن دفیئه را در عکس به شما نشان میدهیم . در ضمن شما در اکثر چشمه ها میبینید که از داخل چشمه سفال شکسته و یا حتی هسته های میوه ها بالا میزند این برای همان چیزی که بنده در بالا گفتم است .



مورد اول موردی است که در گلینه چشمه بار نیست .. پس از کجا بفهمیم در این موارد تابش نور ماه مکان هدف را نشان میدهد دقیقا در نیمه ی شب چهاردهم ماه که قرص ماه کامله نوری به طاقچه اینه ای درون کوه میتابد و به درون اب جلوی چشمه انعکاس داده میشود که مکان این انعکاس مکان بار می باشد که در محفظه ای سنگی با درپوش جاسازی شده فقط ماه شب چهاردهم مکان رو به ما نشون میده گر نه همیشه فهمید تنها راه در آوردنش این است که باید به مسیری دیگر هدایت کنیم.



این دو مورد هم دقیقا در زیر شر شر اب چشمه قرار دارند یکی که بیشتر در مجاورت قلعه ها هست موردی است که سنگ یشمی دقیقا در زیر شر شر اب تعبیه شده به طوری که نصفش داخل زمین و نصفش بیرون زمین است و از بالای چشمه قابل رویت است و در زیر سنگ یشم هم که سرباری محسوب می شود محفظه ای هست که درون مجسمه یا دیگ سکه است و بعدی دیگ پر از سکه که کمی در زیر خاک قرار دارد

و سنگی رویش هست.

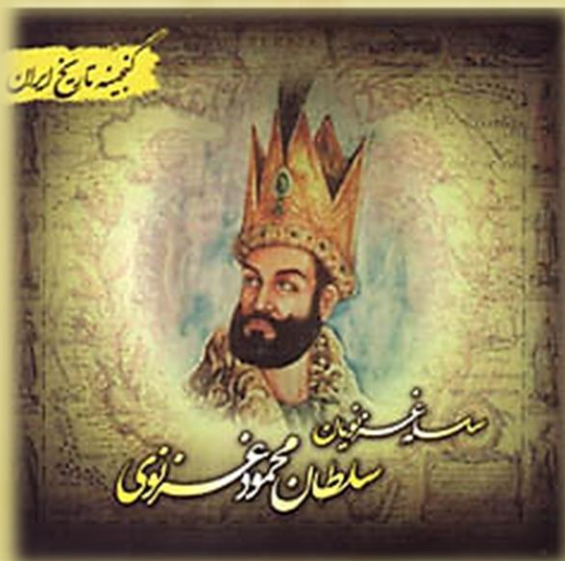
این مورد بیشتر در کنار قلعه ها
میباشد

دیگ یا مجسمه

این مورد بیشتر در کنار قلعه ها
میباشد



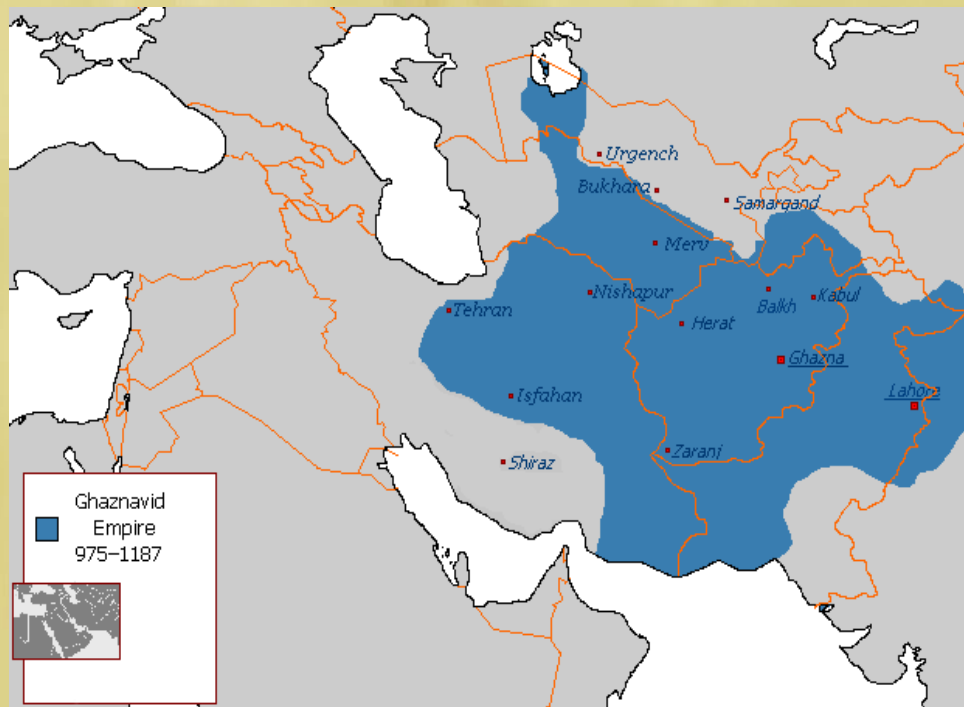
حکومت غزنویان در ایران:



دولت غزنوی یا غزنویان (۹۷۵-۱۱۸۷ م.) (۳۴۴ ه.ق. - ۵۸۳ ه.ق.) یک حکومت ترک تبار و مسلمان در بخشی از شرق خاورمیانه و جنوب آسیای میانه بود. اما به عنوان مروج و ناشر اسلام مورد توجه و تایید خلافت عباسی بود. شهرت این حکومت در جهان، بیشتر به خاطر فتوحاتی است در هندوستان انجام داده است. از آنجا که غزنویان نخستین پایه‌های شهریاری را در شهر غزنین آغاز نمودند به غزنویان نامدار شدند. بنیانگذار این دودمان سلطان محمود غزنوی بود. پدران او از خانات ترک بودند در خراسان می زیستند نام آورترین شهریاران این دودمان سلطان محمود و پسرش سلطان مسعود بودند.



پس از سلطان مسعود این دودمان رو به ناتوانی گذارد و چندی بستر حوزه فرمانروایی به بخش‌هایی از هندوستان و افغانستان کنونی محدود شد. حکومت غزنویان هند از نظر همدوستی و توجه به شاعران فارسی‌سرا از اهمیت بالایی برخوردار است.

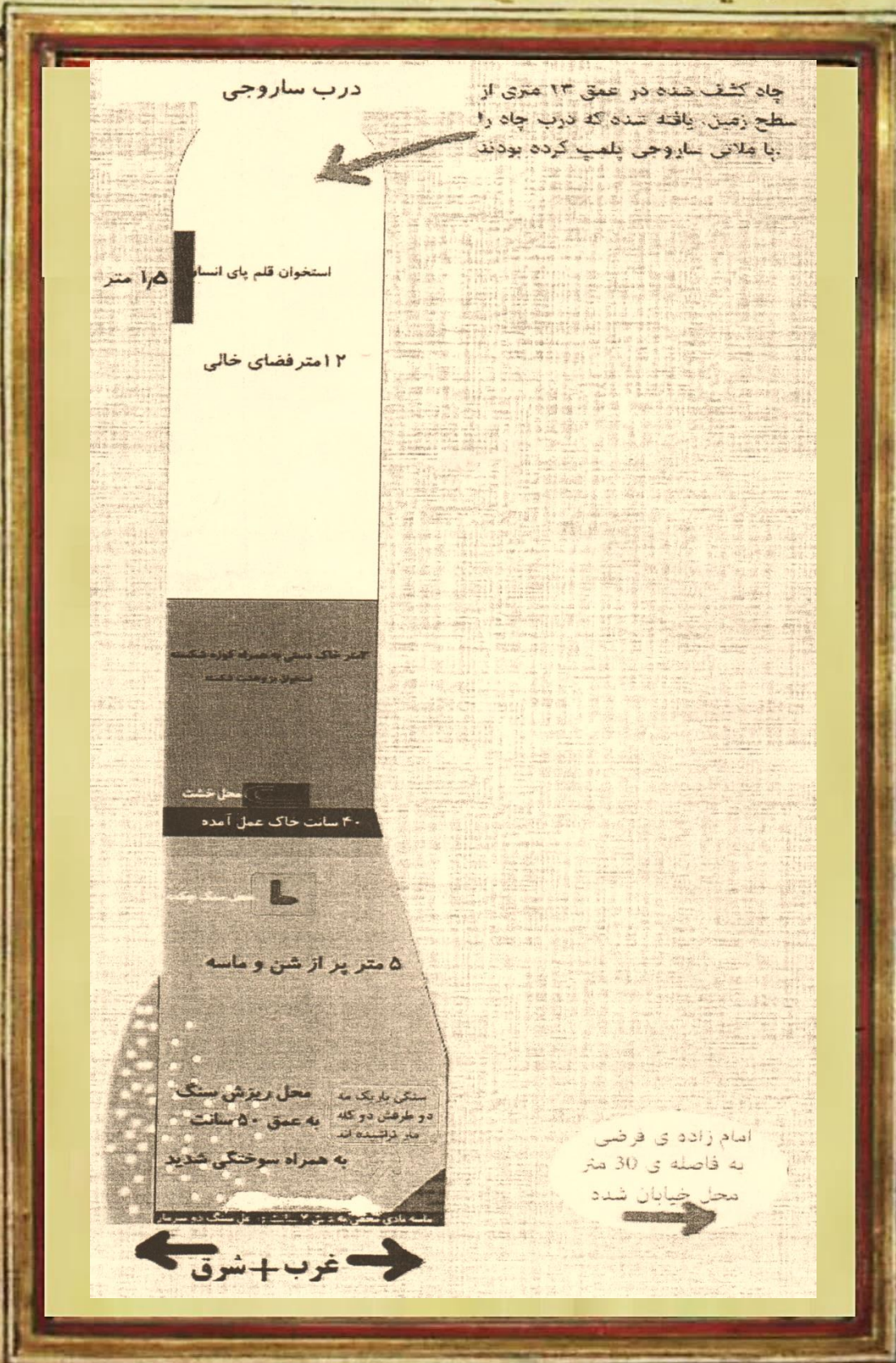


نحوه دفینه گذاری گنج در دوره غزنویان:

قبل از توضیحاتی در مورد نحوه پنهان کردن گنج و دفینه گذاری عرض کنیم که باید در نشانه هایی که مربوط به دوره اسلامی است توجه داشته باشید که نشانها و طلسمات و تله ها در اولویت دوره قبل از اسلام مثل دوره بیزانسی و رومی هستند و بعد نباید از اینگونه خطرات دوره اسلامی غافل بود.

باید توجه داشت اکثر نشانه هایی که در کنار نشانه دیگری قرار گرفته اند، اخطار اولیه محسوب گشته و به ما می گوید ادامه کاوش منجر به مرگ خواهد شد این قبیل تله ها بیشتر توسط یهودیان مورد استفاده قرار گرفته است ولی نباید از این موضوع غافل شد که این تله ها توسط مسلمانان نیز مورد استفاده قرار گرفته که مشهورترین آنها مربوط به دوره غزنویان می باشد. شایان ذکر است که دزدان و راهزنان قدرتمند نیز از تله ها استفاده زیادی نموده اند.

مثال: در شکل زیر ورودی دفینه ای، متعلق به دوره غزنویان را می بیند که دارای تله و طلسم می باشد.





شیوه دفينه گذاري اول: اين نوع دفينه ها اغلب در بالاي کوه ها که بصورت سنگ چين بود و یک طرفش بصورت پرگناه بود ساخته می شد و دفينه که اغلب شامل جواهرات دوره سلطان محمود غزنوی بود پنهان می کردند.

توجه: دقت کنید اغلب طلسمات و تله ها بويژه تله های دفينه های دوره اسلامی مربوط به دوره غزنویان بر می گردد. شما در اين مرحله باید توسط یک استاد اهل فن تله را تشخيص و سپس خنثی کنید. در غير اينصورت خدای نا کرده ضرر های جانی و مالی در پی خواهد داشت.

طریقه دوم: این نوع دفینه گذاری اغلب در تپه های که روبروی امازاده ها بودندین گونه دفینه گذاری می شد که ۲

قبر و یک سنگ سیاه روی تپه در نظر گرفته می شد و دفینه که شامل خمره سکه بود در زیر سنگ پنهان می کردید.

نکته مهم: بهترین گزینه برای یافتن همچنین دفینه های کنترل چشمه ها و درختان قدیمی در اولویت و در روی تپه ها

سمت مغرب و مشرق در اولویت هستند.

شیوه سوم: اغلب در حمله چکنیز خان سلطان محمود غزنوی تمامی دارایی و خزانه خود را در زیر زمین حرم خانه دفن کرده

و این مکان را از طرف عمارت خانه که بصورت تپه است مشهود است. اگر وسط تپه کاویده شود به ازای ۳

زرع به سنگین رسیده شود که خزانه خانه آنجاست. در آن تپه شیر سنگی بود که به سمت قبله نگاه میکرد.

توجه: این نوع دفینه چون سنگین بوده بهتر است خزانه کویم و به احتمال بالای ۸۰ درصد این نوع خزانه ها

توسط حکومت یا افراد دولتی یا نظامی یا حتی دزدان و... تخلیه گردیده باشد. این مورد فقط جهت کسب اطلاع

بیشتر عرض گردید.

شیوه ۴: در اغلب قلعه خرابه کبری (منظور که احتمال یقین تخریب گردیده است) سمت مشرق قلعه تپه

می ساختند و وسط تپه کچ و آجر پیدا شده پس بیک خمره سلطان محمود سیده می شود.

توجه: منظور ما قلعه های کبری و قلعه کبریا که همان قلعه های قبل از اسلام بوده و برای درک و شناخت بیشتر این

قلعه با نقشه امپراطوری غزنویان مراجعه کنید که در قسمت های مذکور شرح حالش گذشت و در مرحله حفاری ملات

کچ و آجر که خمره را با آن پلپ کرده اند خواهید رسید.



گنج بت خانه ها و سلطان محمود غزنوی:



روایت است که چون سلطان محمود غزنوی به غزو مشغول شد، سعی بسیار در گرفتن ولایت سومات نمود و در سه
چهار صد و شانزده دیار دهم شهر و قلعه احرام به آن ولایت رسید؛ چنانچه پنجاه هزار نفر از لشکر هندیان مقتول شد و
فتح از برای سلطان میسر نشد. هندوان به درون سومات شده، گریه و زاری مینمودند و از آنجا بیرون آمده
میجنگیدند تا بجای کشته شدند و شمار کشتگان از پنجاه هزار فراتر شد. و چون سلطان آن بت بیدار در سگفت ماند و دستور
داد آن بتخانه را غارت کردند و کعبه های آن را ربودند. و در آن بهتایی زرین و سیمین و پرده های کوهرا و نیز یافتند
که هر یک را بزرگانی از هند فرستاده بودند.



بهای آنچه از تخته هایدست آوردیش از ۲۰۰۰۰ دینار بود که چهل کرو باشد. پس از آن، سلطان در باب آن بت، با امنای دولت خود مشورت نمود و از سبب آنکه این بت در هوا بدون اتصال به جمتی ایستاده، سوال فرمود. بعضی گفتند که این بت به زنجیرهایی بسته شده و زنجیرها به سحر و چشمبندی، از نظر پنهان است. پس، سلطان فرمود که نیزه از اطراف و جوانب او گردانیدند. چیزی مانع آن نیزه نشد. معلوم شد که آن بت به چیزی بسته نشده است. بعضی دیگر از حاضران به سلطان عرض نمودند که گمان ما آن است که این گنبد را از سنگ آهن با ساخته اند و پیکر این بت، از آهن است و چنان تعبیه شده که جمیع اطراف از سنگ مغناطیس است در قوه واحد میباشند و این پیکر در وسط، به این جهت معلق مانده

حکومت آل بویه در ایران:



آل بویه یا بوییان یا بویگان، (۳۲۰-۴۴۷ ق / ۹۳۲-۱۰۵۵ م) از دودمان‌های دیلمی زیدی مذهب ایرانی پس از اسلام است که در بخش مرکزی و غربی و جنوبی ایران و عراق فرمانروایی می‌کردند و از دیلم در لاهیجان گیلان برخاسته بودند.



دفینه گذاری در دوران آل بویه :

طریقه اول دفینه گذاری: نشانه شمیر در راه های قدیمی آل بویه گذارده می شد در این حالت دفینه دقیقا زیر سنگ

بوده و شما باید سنگ را بر گردانید و تا ۳۰ ارش زیر سنگ را بکاویید دفینه که شامل خمره سکه است خواهید رسید.



طریقه دوم: اغلب در پله مسجد های قدیمی که مربوط به این دوره است می توانیم دفینه ای یافت کنیم که آن هم

برای خرج و تعمیر مسجد مورد استفاده قرار می گرفت. اغلب زیر پله باید ۴ ارش کاویده شود.

نکته: توجه کنید که یاروی یا کناره های پله علامت یا نشانه های خاصی گذاشته می شد یا رنگ سنگ فرق می کرد.

حکومت سلجوقیان در ایران:

سلجوقیان (سلاجقه، آل سلجوق)، نام دودمانی ترک تبار بود که در سده‌های (۵ و ۶ هجری؛ یازدهم و دوازدهم میلادی)، بخش‌های بزرگی از آسیای غربی و ایران فرمانروایی داشتند.



سلطان طغرل سلجوقی

سلجوقیان در اصل غزهای ترکمان بودند که در دوران سامانی اطراف دریاچه خوارزم (آرال)، سیردریا و آمودریا می‌زیستند.

سلجوقیان که به اسلام رو آورده بودند، پس از ریاست سلجوق بن دقاق، نام سلاجقه را به خود گرفتند و به سامانیان در مبارزه با دشمنانشان بسیار یاری کردند. پسر سلجوق به نام میکائیل که بعد از مرگ او ریاست این طایفه را در دست داشت، چندین حکم جهاد برای مبارزه با (به قول مورخان) کافران صادر کرد.

میکائیل سه پسر داشت به نام‌های ییغو، چغری و طغرل. این قبیله که یک بار در زمان سلجوق بن دقاق به دره سیحون کوچیده بودند، بار دیگر بعد از مرگ سلجوق به سرکردگی سه پسر زاده‌اش به نزدیکی پایتخت سامانیان کوچیدند. اما سامانیان از نزدیکی این طایفه به پایتخت احساس خطر کردند؛ بنابراین سلاجقه بار دیگر از روی

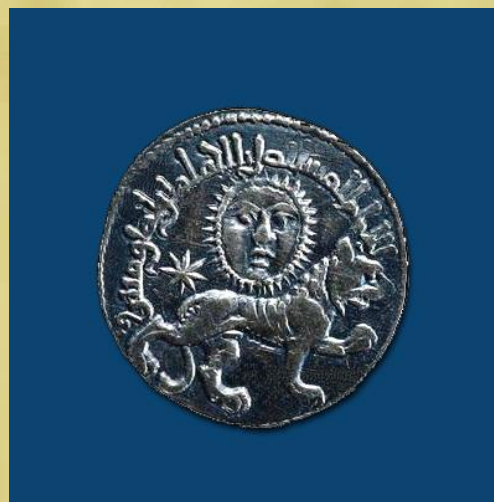
اجبار بار سفر بسته و به بغرا خان افراسیابی پناه بردند. این حاکم از سر احتیاط، طغرل پسر بزرگ را زندانی کرد. ولی طغرل به کمک برادر خود چغری از زندان رهایی پیدا کرد و با طایفه خود به اطراف بخارا کوچیدند.

در سال ۴۱۶ هجری ترکان سلجوقی به ریاست اسرائیل بن سلجوق برادر میکایل دست به شورش زدند. اما سلطان محمود او را گرفت و در هند زندانی کرد. از طرف دیگر گروهی از یارانش دست به شورش زدند.

دورهٔ سلاجقه شامل تمام مدتی است که بشکست سلطان مسعود غزنوی تا کشته شدن طغرل سوم (۵۹۰) قرار دارد. دمدت که بیش از یک قرن و نیم طول کشید، سلاجقه و اتابکان و امرای آنان بر بخش مهمی از جهان حکومت و امارت کردند خصوصاً در دورهٔ درخشان ملک شاه سلجوقی، دولت آل سلجوق به اوج قدرت و ترقی و تعالی فرهنگی و ادبی خود رسید. سلاجقه با سرعتی تمام توانستند قلمرو حکومت و فتوحات و کشورگشایی خود را تا سواحل مدیترانه و سحدرات امپراتوری روم شرقی در آسیای صغیر و حدود تصرفات خلفای فاطمی گسترش د و بسال ۴۷۰ ه.ق. حکومتی جهانی و امپراتوری زمان را بوجود آورند، این فتوحات گسترش حکومت و فتح پیروزی های آنان تا پایان پادشاهی ملکشاه سلجوقی (۴۵۵-۴۸۵) یافت، بالاخص در زمان پدرش الب ارسلان که قلمرو حکومت و وسیع سلجوقی را اداره می کرد و با ایجاد تشکیلات منظم و مرتب بر قدرت این خاندان افزوده گردید و به می توان گفت تنها سلسله ای

که بعد از اسلام در مشرق زمین حکمفرمایی کرد و ممالک اسلامی را یک فرمان
و دولت و حکومت واحد در آورد سلسله سلجوقی است مخصوصاً در زمان پادشاه
ملکشاه، قلمرو دولت سلجوقی بمنتهای وسعت و عظمت خود رسید چه از حد چین تا
مدیترانه و از شمال تا حد خوارزم و دشت قبیچاق و ماوراء یمن به نام او می خواندند
و امپراتور روم شرقی و امرای عیسوی گرجستان و ابخاز باو خراج می دادند. در عصر
این پادشاه بسیاری از شهرهای بالاحص شهر مرو و اصفهان، از مهمترین باشکوهترین
شهرهای دنیا و یکی از آبادترین آنها بشمار می رفت، و از همین سلسله، آثار مهم
تاریخی در این شهرها بجای مانده است. پس از فوت ملکشاه بین فرزندان و اخلاف
وی اختلافی ظاهر گشت و کار اداری حکومت این خاندان مختل گردید و کار عمده
آنان به تفرقه و افتراق کشانیده شد و بر ضعف حکومت سلاجقه و جانشینان ملکشاه
افزوده گردید و هر یک از اخلاف و بازماندگان خاندان سلجوق در نقطه-یی، رایت
استقلال و حکومت خود مختاری بر افراشت خصوصاً اسارت و شکست سنجر موجب
گردید که مدعیان حکومت سلاجقه، قدرتی بدست آوردند از آن جمله اتسز
خوارزمشاه اساس و پایه حکومت خود را در خوارزم و جورجانیه پایتخت دیار استوار
کرد. بطور کلی با حکومت اتابکان، در عراق و فارس و بازماندگان سلسله غزنوی و
ادامه حکومت خود در لاهور و سند تسلط آل خاقان یا آل افراسیاب (ایلک خان) بر
قلمرو دولت سامانی و بالاخره قتل طغرل سوم و طغیان محمد خوارزمشاه و جنگ او

با خلیفه بغداد و عدم موفقیت وی، سرانجام حکومت این خاندان و بازماندگان آنان بدست تاتار از میان رفت ولی پایگاه و جایگاه اصلی حکومت این خاندان (آل سلجوق) و با توجه به تمام حوادث و پیش آمدها که مدت دو قرن بطول انجامید و سگه و خطبه به نام این خاندان و بازماندگان این سلسله رواج داشت. سلجوقیان، بعد از دیلمیان، غزنویان سنی مذهب قدرت را در دست گرفته و همچون دیلمیان، خلیفه را تحت نفوذ و اختیار خود قرار دادند. ترکان سلجوقی جریان اشعری گری را تقویت نمودند. خلیفه (القائم بامرالله) به طغرل سلجوقی لقب سلطان المشرق والمغرب و رکن الدوله و یمین امیرالمؤمنین اعطا کرد. طغرل بک در سال ۴۵۰ق. وارد بغداد شد و آخرین بازماندگان آل بویه را برانداخت.



بدین ترتیب به بیش از یک قرن حکومت آل بویه پایان داد. وزیران مشهور سلجوقیان، خواجه نظام الملک طوسی (عمید الملک کندی)، در تثبیت قدرت این خاندان نقش

ویژه ای داشت دولت سلجوقی پس از مرگ ملکشاه گرفتار تجزیه شد. نزاع بین برکیارق و محمود، فرزندان ملکشاه، با پیروزی برکیارق خاتمه یافت اما مدتی بعد، بین او و برادر دیگرش، محمد، نزاع در گرفت که جنگ های طولانی در برداشت و در نهایت، به تجزیه حکومت سلجوقیان انجامید.

پس از برکیارق، سلطان سنجر در طی ۶۲ سال امارت و سلطنت، توانست عظمت سابق را به سلجوقیان بازگرداند. وی در اواخر عمر به دست غزان اسیر شد و با مرگ وی قدرت سلاجقه رو به افول رفت. شعبه های مختلف سلجوقیان طول حیات این سلسله، موفق شدند حدود صد سال بر ماوراءالنهر و توران، ۱۲۸ سال در خراسان و ۱۶۱ سال در عراق حکومت کنند.



دفینه گذاری در دوره سلجوقیان:

شیوه اول: در غاسخانه امامزاده بیگی که هستند ۴ دربی که اغلب درب سمت شمال قرار داشت با فاصله ۹۰۰۰ قدم

قبری و ارواره می گذاشتند و دقیقاً سمت پای آن قبر یک تپه سفید رنگی بصورت ریخته دست می کردند که دفین

و دقیقاً در وسط تپه و به عمق ۱.۵۰ ازرع بوده و دفینه هم شامل سکه سلجوقیان بود.



طریقه دوم: در کنار امامزاده ها اغلب درخت شمشاد را در نظر گرفته که اغلب در پشت امامزاده ها بود و میان ۴

درخت دفینه را دفین می کردند که خمره دفینه آن بوده و مر بوط به ملک شاه بود.





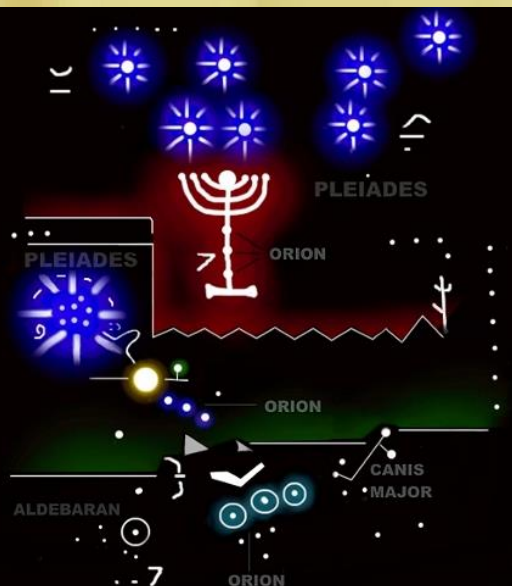
طریقه سوم: در چشمه های خونی اغلب در داخل چشمه مکانی راد نظر گرفته و یک لوح راد آنجا دفن می کردند

و دقیقاً یک دیک زیر آن لوح پنهان می کردند.

نکته مهم: دقت کنید این لوح می تواند از جنس سنگی، فلزی یا از جنس پوست باشد و به مانحوه استفاده از آن مال

یا اشاره به نقاط دیگری از دینه یا محل کنج نیز داشته باشد پس بسیار مهم بوده و باید توسط استاد دفن رمزگشایی شود.





شبهه ۴: در بعض کوه ها که به رنگ سفید است و مثل مرمری باشد، در این صورت ۷ سنگ مثل قطار شتری

است راست و عقب آنها یک تخته سنگ بزرگ سیاه رنگ وجود دارد، قبله سنگ را زرع بکاوید، دخمه ای

پیدا شود و خزانه آن مربوط به دوره سلجوقیان است.



شيوه ۵: دفينه های مربوط به دوره تیموری و سلجوقی، در کنار دره ماچشمه آبی خواهد بود و دقیقاً جایی که آب دره سر از زیر

میشود چند درخت کهنسال (عمدتاً چنار) وجود خواهد داشت، روبروی چشمه درب ورودی غار خواهد بود که درب

آن را با سنگین مسدود کرده اند و دفينه داخل غار است.



شيوه ۶: اغلب دفينه های با بهتر است بگویم خزانه ها که در حمله اعراب به ایران دفن شدند در دوره سلجوقی و در زمان

ظفر شاه در مکانهای مخصوصی پنهان گردیدند. یکی از این شیوه ها بدین قرار است. بالای بعضی مکانهای غاری

تعییه می کردند و اغلب درخت جنگلی بزرگ دم ورودی غار می گذاشتند تا استار شود و زرع عقب غار پله

می خورد و دفينه داخل غار گذارده می شود و وسط غار نیز چاهی می ساختند و روی چاه را یک زرع خاک می ریختند

و تہ چاہ نیز یک اتاقلی مخفی دست کرده و در نہایت ورودی غار را با سنگهای بزرگ سنگین می کردند.



شودہ ۷: اغلب در حملہ چکنیرخان سلطان محمود غزنوی تمامی دارایی و خزانہ خود را در زیر زمین حرم خانہ دفن کرد و این مکان را از طرف عمارت خانہ کہ بصورت تپہ است مشہود است. اگر وسط تپہ کاویدہ شود از ای ۳ زرع



به سنگین رسیده شود که خزان خانه آنجاست. در آن تپه شیر سنگی بود که به سمت قبله نگاه میکرد و رودی دیگر دهنه از سمت قبله نیزی تواند باشد.



نکته: دقت داشته باشید که این شیوه جزو مخصوص نسخه مربوط به یک منطقه بوده و خزان می باشد همانطوری که شیر

بعنوان یکی از نشانه ها و علامتهای خزان و بارهای سنگین عنوان شده است که دارای تله های سنگین و حتی

طلسماتی نیز خواهد بود. پس شیر هم جزو نشانه های نظامی و هم جزو نشانه های نسخه های باشد و باید توسط اساتید فن

رمزگشایی شود.

شيوه ۸: د تپه ټاپي که جلوی کوه سمت قبله بالا سرآبادی سرتپه سنگ سفید نشانه دارد می گذاشتند راست سنگ تپه سفید رنگی کوچکی بود تپه از سمت راست به سمت مرکز تپه کاویده شود به سنگ کبود رنگی رسیده می شود بعد از آن راهی بازمی شد که داخل تپه می شد و خمره سکه های طغرل شاه وجود داشت.

شيوه ۹: خزانه سلطان بنجر و طغرل شاه سلجوقی بدین گونه دفن شده است که از چاهی که آب شیرین دارد و خرابه کشته است میله چاه سمت مشرق از سنگ صورت آدم نقشی است که از پشت همان سنگ به خزانه متنی می شود و به زیر کوه می رود. دارای تله ها و طلسمات سنگینی نیز می باشد.



نکته: دقت کنید این جزویکی از نوادین نسخه ها بود که به از طریق چاه به خزانه متنی می کرد و دقیقاً همان مطلبی که در مباحث قبلی و بحث های آموزشی بدان ها اشاره کرده بودیم. اگر همچین موردی نیز در منطقه شما دیده شده یا

دیده شد باید بعد از برداشتن سنگ به یک سیرتول ماندی که به اتافک ختم می شود برسد، در سیرتول باید خیلی

مواظب باشید چون اکثر تله ها در راه سیرکار می گذارند بویژه تله های نیره، مکانیکی و چاه... که بهتر است

کسب اطلاعات بیشتر به مباحث فصول قبل مراجعه نمایید.

شبهه ۱۰: بعضی از کوه ها اول آسنگده داشتند که بعد به تخته و سپس در زمان طغرل شاه به زانه و دخمه مبدل شدند.

اغلب در زمان سلجوقی مردگان سلطنتی و پادشاهی راد دخمه ها که زیر عمارت بودند دفن می کردند که اکثر با آجر

کنبد پوشی کرده و امانتی راد صندوقی از چوب توت و دغینه جواهرات رازیر همان صندوق نیر دفن می کردند.



شبهه ۱۱: در بعضی از برج های مربوط به دوره سلجوقی بویژه دوره طغرل شاه بعضی قبرهای وزیر می کردند داخل

قبر دغینه پنهان می کردند.



شبه ۱۲: در بعضی از برج های قدیمی مربوط به دوره سلجوقی اغلب خرج سپاه و خرج تعمیر برجاک دقیقاً کف برج ۴ پنهان می کردند و از آنجا به راه مخفی زیر زمینی و به یک اتاقکی ختم می شد که اموالی از سکه و غیر سکه وجود داشت.



عقاب دو سر نیز جزو یکی از نشانه های سلجوقیان می باشد که در زمانهای قدیم در میادین شهرها بعنوان نماد قدرت بود.

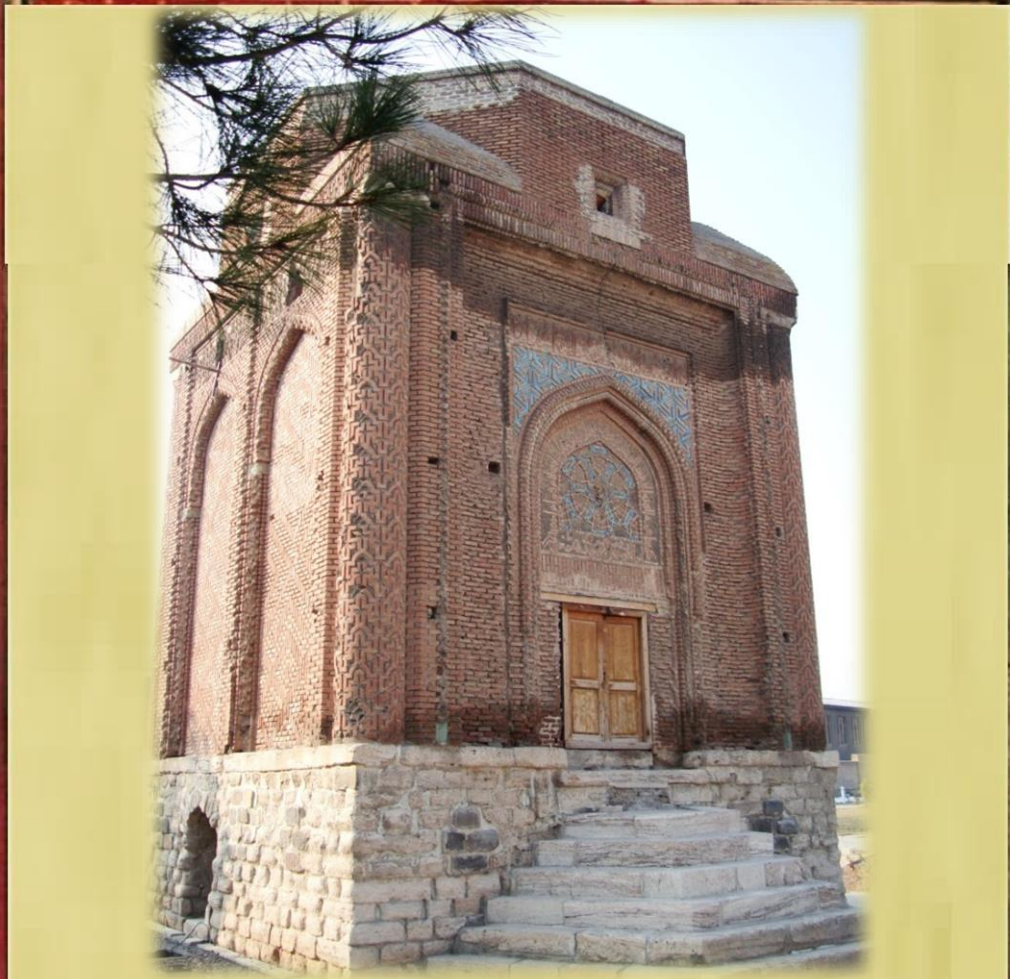


شیوه تدفین مردگان در دوره سلجوقی:






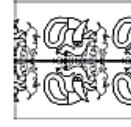
















کتیبه منبت کاری شده بخشی از صندوق قبر یکی از بزرگان سلجوقی



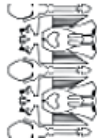

















سیر تحول نمادها و نقش های پرندگان در ادوار آل بویه و سلجوقی:

سیر پیشرفت	توضیحات	ترکیب بندی		نقشابه	توضیحات	نقشابه (پرندگان و موجودات افسانه ای باندان)			متنوجات	پارچه
		سازماندهی	نقشابه			توضیحات	ساختار نقش	نقشابه ها		
تداوم سنت سامانی	تداوم ترکیب بندی سامانی / متناوب های دارای تقشابه متناوب / علم خطای شکل پرنده حامل / ترکیب گلدار با حیوانات دیگر			تداوم نقش سامانی / تداوم سنت تصویری سامانی / شای جانی / افراسی درای ابعاد بزرگی و طریقت / تداوم سنت سارپرورداری	ساختار نقش			پارچه سبک گوش ، باه شده در ۳-۴ پیرزاس ، هجری قمری		
تغییر در شیوه ترسیم پرنده ترکیب بندی آزاد و بدون کادر حامل	ترکیب بندی متناوب سامانی بدون کادر حامل / ترکیب پرنده شکارگر یا حیوان / تغییر ابعاد نسبت پرنده و درخت زندگی نسبت به سنت سامانی			حضور شکل جدید پرنده طاووس / تغییر ابعاد پرنده / تغییر شکل طغان تقشابه / ۲ و شکل تدام / متسورن پرنده شکارگر	ساختار نقش			پارچه طاووس شکارگر و درخت زندگی، دارای کتیبه یا نام سید بن ابرخیم خارش ۳۳ هجری قمری		
تغییر در شیوه ترسیم اجزای بدن حیوان پرنده همان	تداوم سنت ترکیب بندی سامانی / تغییر در شکل اجزای ترکیب بندی			حیوانات اساطیری، تغییر در سنت تصویری ترسیم بال ها، تاکید بر شکل شاه بال و تنگی آن / تغییر سنت تصویری و افزایش طرافت اجزای خطی	ساختار نقش			پارچه پریش قمر ، مکتوبه از روی		
تغییر در شیوه ترسیم اجزای بدن حیوان پرنده همان	تداوم سنت ترکیب بندی سامانی / تغییر در شکل اجزای ترکیب بندی			تغییر در سنت تصویری پرنده گان / تغییر در طراحی شکل بالا / تغییر در ترسیم اجزای پرنده برای تقشابه یا قالب تصویر / شکل حلقه سان	ساختار نقش			پارچه پریش قمر ، مکتوبه از روی / ۳۴ هجری قمری		

۱۱۰۰-۱۰۵۰ هجری قمری
در زمان آل بویه

تطبیق هندسه خرم و هندسه گذار زمینه/	توجه به ویژگی واقعی پرنده در ترمیم / پویایی در اجرا	تصویر پرنده از روی رو/ ترکیب بندی مرکزی
تداوم تپان شکل و قالب، انطباق ساختار هندسی اجرا برای انطباق شکل و قالب / فعل و انتقال میان ظاهر پرنده و قالب پایه / تفسیر شکل گذار پایه / توجه به فضای منفی	ترکیب بندی نوین مطالبین موج با حاشیه خط	ترکیب بندی نوین با تقارن مرکزی / استفاده از ترکیب بندی زاویه دار / بهره برداری از ویژگی پرنده برای ایجاد ترکیب بندی منفی / توجه به فضای منفی
		
		
پیشرفت در طراحی، اجرای پرنده / انطباق شکل ها با ترکیب بندی / تغییر طراحی / تغییر شکل اجرا / م و طراحی بر مبنای ساختار هندسی / شکل حلقه سان روی سینه	ترسیم پرنده در حالت واقعی / ترسیم از نمای روبرو / تأکید بر پویایی شکل پرنده	ترسیم پرنده از نمای روبرو / مطالعه سنت تصویری به جا مانده از دوران هخامنشی با اتکا به لوح تخت جمشید
		
		
ری بخشی از یک پارچه ابریشم لپاس / مکتوبه در ری	پارچه ابریشم دورو، دوران آل محل / پویه / بافت تزی	پارچه دورو از جنس ابریشم دورو آل پویه، گذار دارای شعر خط و کوفی با مضمون مرگ
		

پس‌زمینه	توضیحات	سازماندهی	نقشه‌ها	توضیحات	ساختار نقش	نقشه‌ها	توضیحات	پارچه
مضمون جدید و تصویر توجه به جزئیات نقوش	ترکیب بندی ریتیک			سنت جدید تصویر پرنده ا تغییر	سنت جدید تصویر پرنده ا تغییر		سنت جدید تصویر پرنده ا تغییر	
مضمون جدید و تصویر توجه به جزئیات نقوش	ترکیب بندی دارای قارن مرکزی تغییر شکل مایلین‌ها/ توجه به فضای منتهی			سنت جدید تصویر پرنده ا تغییر	سنت جدید تصویر پرنده ا تغییر		سنت جدید تصویر پرنده ا تغییر	
مضمون جدید و تصویر توجه به جزئیات نقوش	ترکیب بندی دارای قارن مرکزی تغییر شکل مایلین‌ها/ توجه به فضای منتهی			سنت جدید تصویر پرنده ا تغییر	سنت جدید تصویر پرنده ا تغییر		سنت جدید تصویر پرنده ا تغییر	
مضمون جدید و تصویر توجه به جزئیات نقوش	ترکیب بندی دارای قارن مرکزی تغییر شکل مایلین‌ها/ توجه به فضای منتهی			سنت جدید تصویر پرنده ا تغییر	سنت جدید تصویر پرنده ا تغییر		سنت جدید تصویر پرنده ا تغییر	

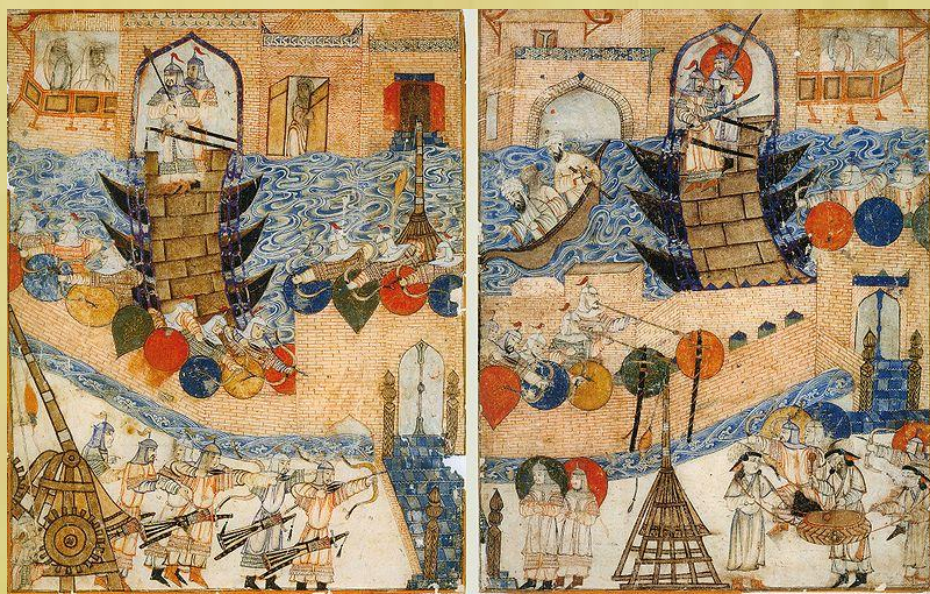
حکومت ایلخانی در ایران:

در روزی نهایت سعود آنرا برافراشت و مجلس را با انواع تجملات مآراستند و **ملوک و طوائف** از آن بندیده داشته مبارکی و طالع سعید بر تخت نهادند و نامگذاری نشت و خراتین و خمرادگان و امرا که حاضر بودند و تمامت ارکان دولت و اعیان حضرت و ملوک و رجایام اطراف را جمع گشته نماندند
 * رسولین بندید رسانیدند و انبث



ایلخانان یا ایلخانیان نام سلسله‌ای مغول است که از سال ۶۵۴ تا ۷۵۰ ه. ق. معادل ۱۲۵۶ تا ۱۳۳۵ میلادی در ایران حکومت می‌کردند و فرزندان چنگیز خان مغول بودند. لشکریان چنگیز خان نخستین بار در سال ۶۱۸ ه. ق. معادل ۱۲۲۱ میلادی به خراسان حمله نمودند. چنگیز خان در سال ۱۲۲۵ میلادی به مغولستان بازگشت آنجا در گذشت. سال ۱۲۵۱ م. منگو یا منگل، خان بزرگ یا قآن، بر آن شد با اعزام برادرانش هولاکو و قوییلای (کوبلاخان) به ترتیب به ایران و چین پیروزی‌های مغولان تحکیم و تکمیل کند. هولاکو با فتح ایران سلسله ایلخانیان ایران و قوییلای با فتح چین سلسله یوان چین را بنیان نهادند. ایلخانان یعنی خانان محلی و غرض از این عنوان آن بوده‌است که سمت اطاعت ایلخانان را نسبت به قآنان می‌رسانند و این احترام همه وقت از طرف ایلخانان ایران رعایت می‌شده‌است. فتح ایران به دست هلاکو خان پیامدهای مهمی چون پایان

کار اسماعیلیان و انقراض خلافت عباسیان در پی داشت. ایلخانان در ابتدا دین بودایی داشتند اما به تدریج به اسلام گرویدند. ایلخانان مسلمان خود را سلطان نامیده و نام‌های اسلامی برگزیدند.



دفینه گذاری در ایلخانیان:



طریقه اول دفینه گذاری: دفینه های مربوط به دوره ایلخانی، در کنار دره ما چشمه آبی خواهد بود و دقیقا جایی که آب دره سرزیر میشود چند دخت کنسال (عمدا چنار) وجود خواهد داشت، روبروی چشمه دب ورودی غار خواهد بود که دب آن را با سنگین مسدود کرده اند و دفینه داخل غار است.

طریقه دوم: اغلب مکانهایی که از زمانهای قدیم توسط کیانیان و پادشاهان قدیم ایران حکومت می کردند توسط چکنیز مغول خراب شده بود. اغلب دفینه هایی که مربوط به دوره کیانیان بود در قلعه ها و تپه ها دفن شده بود.

طریقه سوم: قبرستانهای قدیمی طرف مشرق قبرستان، ۳ قبرپاه قبله روی تپه ایجاد می کردند و دفینه در قبرمیانی

بوده و یک خمره سکه چکنیز خان بود.

نکته مهم: از آنجایی که آیا این قبر دارای سنگ قبر بوده اند یا دارای شکل خاصی بوده اند اطلاعات خاصی در دسترس ما نیست، ولی از آنجا که معلوم است این قبرها اغلب روی تپه های باستانی ایجاد می شود و ما می دانیم که در زمانهای قدیم اغلب قبرستانها در سراشیبی تپه ها دفن می کردند و این ۳ قبر به احتمال قوی دارای چینش خاصی بوده اند که قبر میانی یا وسطی دارای علامت اضافی یا ویژگی برجسته بوده که دینچه را داخل آن قرار می دادند.

طریقه چهارم: در بعضی قبرهای وارونه و دقیقاً یک راه مخفی ورودی از قبر وسط تعبیه می کردند که به اتانی که خمره دوره هلاکوخان مغول دفن شده بود رسیده می شد.

طریقه ۵: در وسط غارهایی که چاه کز کرده شده است روی چاه یک زرع خاک می ریختند و دینچه در تپه چاه می بود که این دینچه ها اکثر ابر بوط به دوره ایلمانیان و تیموریان و یا حمله اعراب به ایران بودند.

نکته مهم: دقت کنید این نوع قبر وارونه اغلب در کنار چشمه ها و یک تنگ درخت کهنسال خواهد بود که فاصله قبر با درخت به اعدادی چون ۳-۵-۷ و اغلب مضرب از اعداد فرد است.

طریقه ۶: اغلب بالای چشمه ها در پشته ها سنگ مربع سفید که با خط کوفی نوشته می شد یا از سمت قبله زیر او ۲ زرع کاویده شود تا به خمره دوره چکنیزی رسیده شود.

نکته: این سنگ مربعی شکل می تواند به شکل سنگ صندوق بوده یا سنگ قبرهای اوایل دوره اسلام باشد زیرا

در اوایل اسلام سنگ های مرسوم به شکل سنگهای مرتفع و بلند مربعی یا مستطیلی شکل می بود. این احتمال هم می تواند باشد که این سنگ مربع به دوره قبل از سلجوقی و یا حتی قبل از ایلخانی برمی گردد.



طریقه ۷: در

ایلخانی ترسیم

نقش های اژدها،

برک موپچک

و طرح های

اسلمی، در معابد مرسوم بوده است که نمونه آن در تصویر بالا را کاملاً مشاهده می کنید.

حکومت تیموریان در ایران :

تیموریان یا گورکانیان ایران (۷۷۱ - ۹۱۱

هـ ق / ۱۳۷۰ - ۱۵۰۶ م) دودمانی ترک تبار

بودند. بنیان گذار این دودمان امیر تیمور

گورکانی بود که آسیای میانه می زیست

سمرقند پایتختش بود. تیمور کشوری

گسترده و دولتی سترگ ایجاد کرد و

سرزمین فرارود (ماوراءالنهر) را به اهمیتی

رساند که تا آن زمان هیچگاه بدان پایه

نرسیده بود.



تیمور لنگ

او مرزهای خود را نخست در سرتاسر آسیای میانه و آنگاه سراسر خراسان و آنگاه به

همه بخش های ایران و عثمانی و بخش هایی از هندوستان گسترش داد. از آنجایی

که فتوحات تیمور بیشتر جنبه یورش و هجوم داشت تا تسخیر واقعی، اغلب این

مناطق باز به زودی از تصرف تیموریان خارج شد. با این حال ماوراءالنهر مدتی مرکز

دولتی شد که بیشتر ایران و افغانستان را افزون بر ماوراءالنهر دربر می گرفت. هنگامی

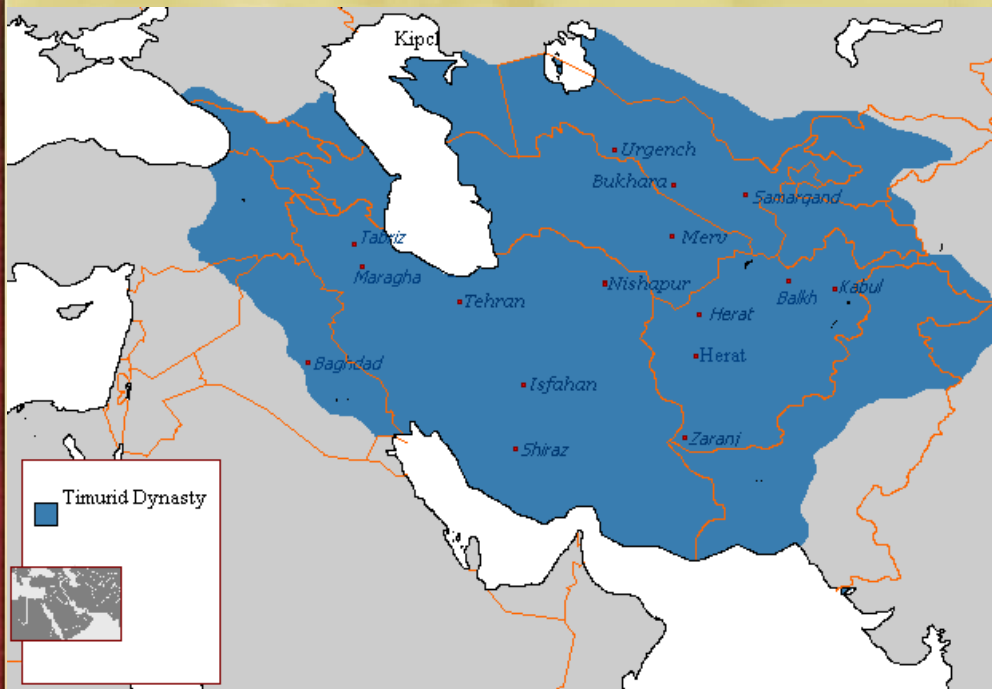
که کشورهای گسترده تیموری تجزیه شد، دوره هرج و مرج پیش آمد. به محض

اینکه تیمور مرد، ترکان عثمانی و آل جلایر و ترکمانان درصدد تصرف کشورهای

از دست رفته خود برآمدند. به گفته ابن عربشاه تاریخ‌نگار آن زمان، تیمور در زمان جنگ زخم برداشت و لنگ شد. بنابر روایات دیگر وی در سال ۷۶۴ ه. ق (۷۴۱ ه. ش) بنا به استمداد امیر سیستان به کمک او شتافت و در جنگ با مخالفانش زخمی شد، ولی پایش بعد از بهبود زخم هم همیشه می‌لنگید باین همه، فرزندان تیمور موفق شدند که شمال ایران را کم و بیش به مدت یک سده برای خود نگاه دارند. هر چند آنان بیشتر با یکدیگر در کشمکش بودند. سرانجام شاهرخ موفق شد که مناقشات اقوام خود را تا حدی رفع و قدرت و اعتبار کشور را نگهداری کند. ولی پس از مرگ او تصرفاتش به قسمت‌های کوچک‌تر مجزا شد و به همین سبب صفویان و امرای شیانی آنها را به متصرفات خود پیوست کردند. با این حال خاندان تیموری از میان نرفت و نوادگان تیمور پس از چندی پستر فرمانروایی خود را به هندوستان بردند و امپراتوری بزرگ

گورکانیان هند را بنیاد گذاردند.





دیفینه گذاری در دوره تیموریان:



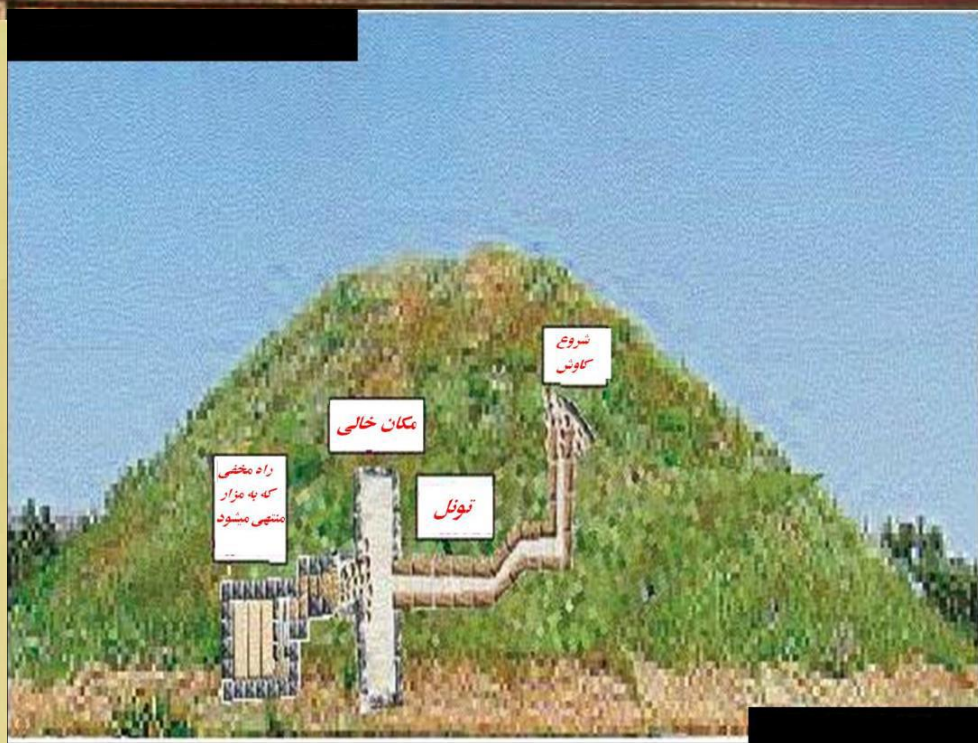
شیوه و طریق اول: در دوره تیموریان اغلب در کوه های معروف تپه های ریخته شده دستی می ساختند و دقیقاً

مرکز تپه چاهی درست می کردند و در تپه چاه به اتاق یا سفیدخانه ای که بعد از حدود ۵۰ ارش بدست می آمد دیفینه

می گذاشتند.

نکته مهم: دقت شود در این نوع دیفینه ها طلسم و تله نیز بکار می بردند، مبحث تله ها که باید به کمک اساتید اهل فن

خنثی و مبحث طلسم هم با اغلب با دعای ده قاف شگفته می شود. نمونه در تصویر پایین آورده شده است.



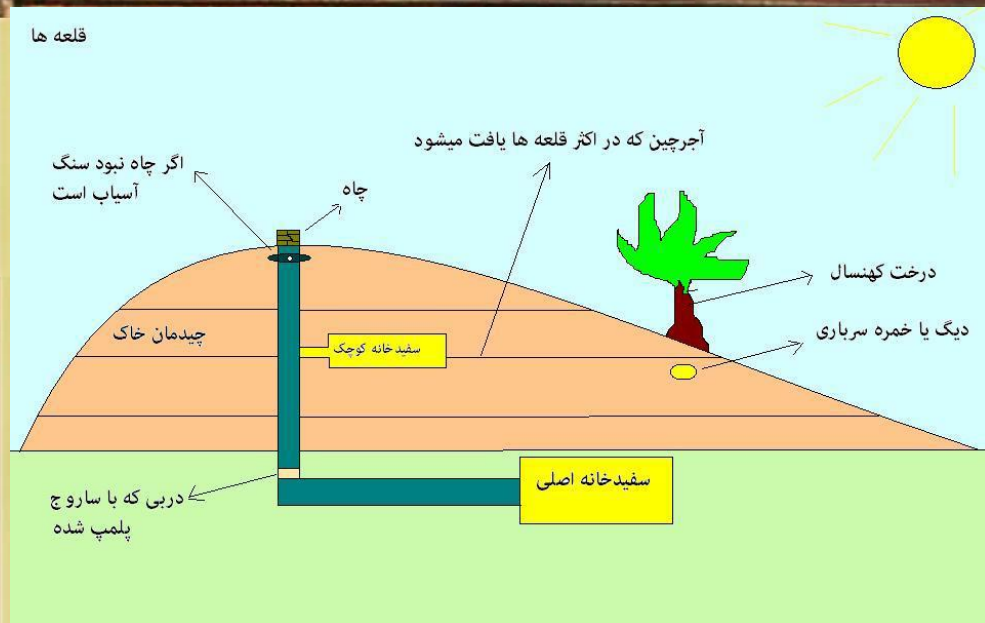
شیوه دوم: دفینه های تیموری اغلب در مکانهایی که به اسم **قلعه تیمور** معروف و مشهور است به روال و طریق

قبلی که ذکر می شد دفینه گذاری می کردند یعنی یک چاه در قلعه می کنند و دقیقاً در ته چاه و زیر چاه یک سفیدخانه یا

یک اتاقک تعبیه می کردند و اغلب عمق کار نیز همان ۵ ارش می بود.

طریقه ۳: در وسط غارهایی که چاه کزاده شده است روی چاه یک زرع خاک می ریختند و دفینه در ته چاه

می بود که این دفینه ها اکثر امربوط به دوره ایلخانیان و تیموریان و یا حمله اعراب به ایران بودند.



نکته مهم: دقت شود دفینه موجود در قلعه با دفینه موجود در چاه با متفاوت تر بوده و از لحاظ کیمیت و کیفیت دفینه

موجود در قلعه بیشتر بود و اغلب زر و جواهرات بوده و طلسم نیز می بستند.

نوع دفینه گذاری ۴: اغلب دفینه های دوره تیموری درون قبرهایی که تعدادشان بصورت فرد و عمدتاً بصورت ۵

تایی بودند دفینه گذاری می کردند و قبری که طرف قبله بود در اولویت قرار داشت. این نوع قبرها اکثر با گچ و

سنگ درست می شدند و دفینه اغلب یک دیک یا یک خمره بود.

طریقه ۵: اغلب دفینه ها در کنار نهر یا رودخانه دفن می شدند بصورت که **دو درخت قدیمی به ویژه توت** را در نظر

می گرفتند و قسمت شرقی درخت ۲ خمره دفن می کردند که مربوط به دوره تیموریان بود.



طریقه ۶: اغلب در زمانهای قدیم در روستاها صدف می گذاشتند دو صدف را در نظری گرفتند یکی طرف مغرب و

دیگری طرف مشرق و دغینه را زیر صدف بلند دفن می کردند. عمق دغینه اغلب ۵ ارش بود و شامل خمره بود.

شوه ۷: نشانه شانه و تسبیح این نشانه در کورستان های قدیمی روی سنگ مربعی شکل که رنگ سنگ هم سیاه

متمایل به سرخ می باشد دیده می شود، دغینه داخل قبر بوده و یک

خم بندی می باشد.



شوه ۸: دغینه های مربوط به دوره تیموری و سلجوقی، در کنار دره ها

چشمه آبی خواهد بود و دقیقا جایی که آب دره سرزیر میشود درخت کهنسال (عمد تاخار) وجود خواهد داشت. روبروی چشمه درب ورودی غار خواهد بود که درب آن را با سنگین مسدود کرده اند و دغینه داخل غار است.

شيوه ۹: اغلب در شاه چشمه با فاصله ۵۰ قدم از چشمه سنگی ۳ گوشه وجود داشته و قبرهایی پهلوئی هم سفیدکاری بوده دغینه داخل قبرها بوده و خمره سکه تیمور شاه است. وقت کاویدن ده قاف و قل اوحی خوانده شود.

توجه: البته ممکن است اغلب این قبرها در واقع سفیدخا باشند و این مورد اغلب در نقاط شمالی و مناطق مرطوب کشور ایران عزیز بویژه در مناطق گلستان، کرگان و... دیده شده است.

شيوه ۱۰: اغلب مکانهایی که سرگردنه تخت دارند دورش سنگ چین بوده وسط تخت مکان دفن سکه تیموری بوده و دعاهای شیوه ۷ باید قرائت شوند.

نکته: ممتور از تخت می تواند جای تخت

نشین پادشاهی باشد که زمانی در آن مکان
قلعه ای ساخته شده بودیامی تولد به مکانی
مسطح صاف سنگ چین شده احتمال زیاد
سنگ فرس کرده اند اشاره داشته باشد.



آیین تدفین و ساختار قبر های تیموری:

همانطور که می دانید بعد از اسلام شیوه خاصی برای تدفین مردگان وجود نداشته و اغلب به یک شیوه مرسوم مردگان را دفن می کردند ولی نوع سنگ قبر و نوع آیات و نگاره گری هایی که روی سنگ قبرها و نوع اشکالی که روی آن ترسیم می شد در اغلب دوره ها با هم متفاوت بوده و وجود دارد بعضی اشکالی بصورت منطقه ای بوده و تقریباً بصورت ناشناخته بوده است.

در اینجا قصد داریم که انواع و اشکال سنگ قبرهای دوره تیموریان برای آشنایی هر چه بیشتر شما عزیزان به صحنه تصویر بکشیم ، هر چند که بعضی آثار با گذشت زمان از بین رفته ولی آثار باقی مانده نیز جزو خزینه ها است که مشاهده خواهید کرد.



سنگ قبرهای شاهزادگان تیموری

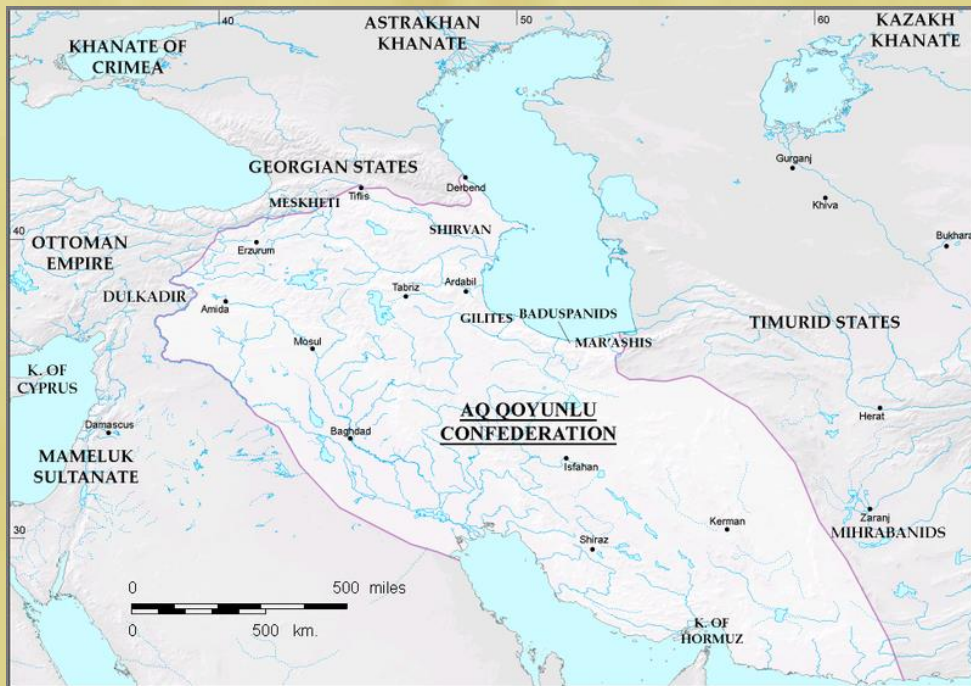


روی این برآمدگی شش سنگ قبر صندوقی شکل از سنگ مرمر سیاه دیده می شود
که آرامگاه شاهزادگان تیموری است.



حکومت آق قویون و قراقویون لوها در ایران:

آق قویونلو سلسله‌ای از ترکمن‌های سنی بود که بر قسمت‌هایی از قفقاز، شرق ترکیه و شمال ایران از ۱۳۷۸ تا ۱۵۰۸ میلادی فرمان می‌راند. معنی لغوی آق قویونلو صاحبان گوسفندان سفید می‌باشد. آق قویونلو تیره‌ای از ایل بایندر بوده باشد. بایندر در فهرست اصلی قبایل بیست و چهارگانه اوغوزها مندرج در تاریخ رشیدالدین آورده شده است. حال آنکه در کتاب ده ده قورقود نام یکی از حکام اوغوز است [طهرانی، مورخ مشهور این سلسله، در کتاب دیار بگریه شجره‌نامه طور علی بیگ را با ۵۱ نسل به اوغوزخان شخصیت افسانه‌ای ایل اوغوز می‌رساند که البته چندان قابل اعتماد نیست. به هر حال نام ایل بایندر در سده چهاردهم میلادی آسیای صغیر سرزبانها افتاده است. این فرضیه وجود دارد که بایندریها در فتح آسیای صغیر به دست سلجوقیان شرکت داشته‌اند. ایل بایندر پس از سقوط آق قویونلوها در طرابلس، حلب و نیز در جنوب سیواس اسکان گزیدند



شیوه دفينه گذاري در دوره اق قویون و قره قویون لوها :

اما قوچهای سنگی
نمادی برای برکت
بوده اند و به قولی
درون آنها جواهرات
بسیار پر بها جاسازی
میشده و در سر هر



کوی و برزن قرار داشتند ولی مردم به تبع اعتقاداتی که داشتند: فکر میکردند کسانی قادر به استفاده از آن هستند که کلید اینها را داشته باشند
نا گفته نماند که در روی سینه اینها جایی برای داخل کردن کلید بوده ولی کلید آنها نزد اولیاء الله بوده و بس و کسی غیر از آنها و یا کسی بدون اجازه آنها اقدام به گشودن و یا انهدام آنها می کرد دچار نوعی بیماری اعلاج می شد و در عرض چند روز میمرد و آبرویش می رفت لذا مردم به فکر شکار آن هم نبودند حتی حمایت هم میکردند تا کسی به آنها تعدی نکند و اگر هم کسی ادعا میکرد که اذن امعصوم دارد مطمئنا دچار گرفتاریهایی میشد که رسوا می شد و جان خود را میباخت.

قوچ نماد قدرت و باروری شمرده می شد که این امر در داستان ها و فولکلور اقوام ترک زبان به وضوح مشهود است به عنوان مثال؛ قوچاق نبی، قوش کور اوغلو یا قوچ ایگید و احتمالا قرار دادن تندیس آن روی مزاری، نشان از قدرت بازو و پهلوان بودن شخص صاحب گور می توانست باشد

سلسله صفوی در ایران:



صفویان دودمانی ایرانی و شیعه بودند که در سال‌های ۸۸۰ تا ۱۱۰۱ هجری خورشیدی (برابر ۱۱۳۵-۹۰۷ قمری و ۱۷۲۲-۱۵۰۱ میلادی) بر ایران فرمانروایی کردند. بنیانگذار دودمان پادشاهی صفوی، شاه اسماعیل یکم است که در سال ۸۸۰ خورشیدی در تبریز تاجگذاری کرد و آخرین پادشاه صفوی، شاه سلطان حسین است که در سال ۱۱۰۱ خورشیدی از افغان‌ها شکست خورد و سلسله صفویان برافتاد.

دوره صفویه از مهم‌ترین دوران تاریخی ایران به شمار می‌آید، چرا که با گذشت ۹۰۰ سال پس از نابودی شاهنشاهی ساسانیان؛ یک فرمانروایی پادشاهی متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار فرمانروایی نماید. بعد از اسلام، چندین پادشاهی مانند صفاریان، سامانیان، آل بویه و سربداران روی کار آمدند، هیچ کدام نتوانستند تمام ایران را زیر پوشش خود قرار دهند و میان مردم ایران یکپارچگی پدید آورند. این دوره یکی از سه مرحله دوران طلایی اسلام و دوره اوج تمدن اسلامی است. صفویان، آیین شیعه را دین رسمی ایران قرار دادند و آن را به عنوان عامل همبستگی ملی ایرانیان برگزیدند. شیوه فرمانروایی صفوی تمرکزگرا و ن مطلقه (در دست شاه)



بود. پس از ساختن پادشاهی صفویه، ایران اهمیتی بیشتر پیدا کرده و ثبات و یکپارچگی برخوردار گردیده و در زمینه جهانی نام آور شد. در این دوره روابط ایران و کشورهای اروپایی به دلیل دشمنی امپراتوری عثمانی با صفویان و نیز جریان‌های بازرگانی، (به ویژه داد و ستد ابریشم از ایران) گسترش فراوانی یافت. در دوره صفوی (به ویژه نیمه نخست آن)، جنگ‌های بسیاری میان ایران با امپراتوری عثمانی در غرب و با ازبکها در شرق کشور رخ داد که علت این جنگ‌ها جریان‌های زمینی و دینی بود. ایران در دوره صفوی در زمینه مسائل نظامی، فقه شیعه، و هنر (معماری، خوشنویسی، نقاشی) پیشرفت شایانی نمود. از سرداران جنگی نامدار این دوره می‌توان قرچقایخان، اللهوردی خان، و امامقلی خان را نام برد که هر سه از سرداران شاه عباس یکم بودند.



از فقیهان و دانشمندان نامی در این دوره میرداماد، فیض کاشانی، شیخ بهایی، ملاصدرا، و علامه مجلسی نام‌ور هستند. هنرمندان نامدار این دوره نیز عباسی، علیرضا عباسی،

میرعماد، و آقامیرک هستند. از شاعران بزرگ و نامدار این دوره می توان به وحشی بافقی، صائب تبریزی، محتشم کاشانی و میررضی آرتیمانی اشاره کرد صفویان همواره بزرگترین سد در برابر ترکان عثمانی بودند و اندیشه بازپس گیری مرزهای هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان را داشتند. صفویان در جنگ های خود با عثمانی ها همواره با نام ایران می جنگیدند. ترکان عثمانی تا پیش از بیرون رانده شدنشان به دست شاه عباس بزرگ، آذربایجان و قفقاز را به اشغال در آورده و از مردمان این سامان کشتار فراوانی کردند. صفویان فرهنگ، هنر، موسیقی، معماری ایرانی و ادبیات پارسی را گسترش می دادند و سرانجام شاه عباس پایتخت خود به اصفهان جابجا کرد.





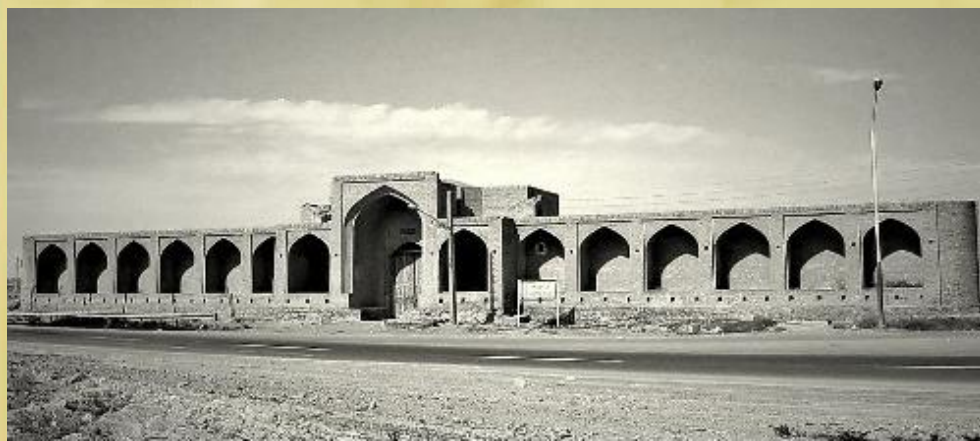
شیوه دفینه گذاری در دوره صفوی:

شیوه اول: اغلب خزان‌های دوره صفوی که به به خزان شاه عباس معروف و مشهور هستند در زمانهای قدیم زیر

اما مزاده مدفون می‌شدند. دقیقاً زیر اما مزاده زیر زمینی تعبیه می‌کردند که به خزان متصل می‌شد

شیوه دوم: اغلب در اطراف بقعه ها و کناره راه قدیمی (کاروانسراها و مالروها) به فاصله ۱۵۰ قدمی یک صنفه ای

درست می‌کردند و دفینه که شامل خمره بود در زیر صنفه دفن می‌شد. عمق کار اغلب ۳ ارش بود.



طریقه سوم: اغلب دفینه‌های صفوی در کنار درختان مشهور که همان درخت چنار بوده و دقیقاً کنار دو چنار نزدیک

هم ۱۸ قدم فاصله داده و مکانی که وقتی آب باران می‌بارد آنجا جمع می‌شود و علف در آن قسمت نمی‌روید سبز

نمی‌شود و دقیقاً گودالی تعبیه می‌کردند که دفینه آنجا پنهان می‌کردند.



کلمه: دقت داشته باشید مورد ذکر شده در نسخه بالا به ورودی مکان می تواند اشاره داشته باشد، زیرا اولاد جانی علف

سبز نمی شود یا نمی روید علت می تواند به گاز طلا یا به وجود یک مدفون یا یک ورودی اشاره داشته باشد پس مورد

ممی بود و در صورت داشتن ورودی توسط مکانی مخفی به اتاقی رهنمون خواهید شد.

طریقه چهارم: در زمانهای قدیم در ورودی شهر که دروازه بود تپه ای ریخته می ساختند دغینه دقیقاً در وسط تپه دفن کرده

و اغلب عمق کار ۴ زرع بوده و شامل خمره و سکه بود.





طریقه ۵: دکنار امامزاده ها اغلب در سمت مشرق روبرو قبله دختی را که بنام دخت دخیل است نظری گرفتند و دینه را در زیر آن پنهان می کردند بعد از ۴۰ ساله ای را با آجر پوشانده و زیر آجر نیز خمره را قرار می دادند.

